

مجله فرارشد



دوره هفدهم، ۱۴۰۰
شماره پیاپی ۱۳۴
۳۲ صفحه، ۳۵۰۰۰ ریال

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان و
دانشجویان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
www.roshdmag.ir



عصر جدید آموزش



امیر مرادی
همگام با
عصر جدید



صادق حامدی نسب
فضای مجازی،
شمشیر دو لبه



حسین غفاری
مُصلحات
آموزش مجازی

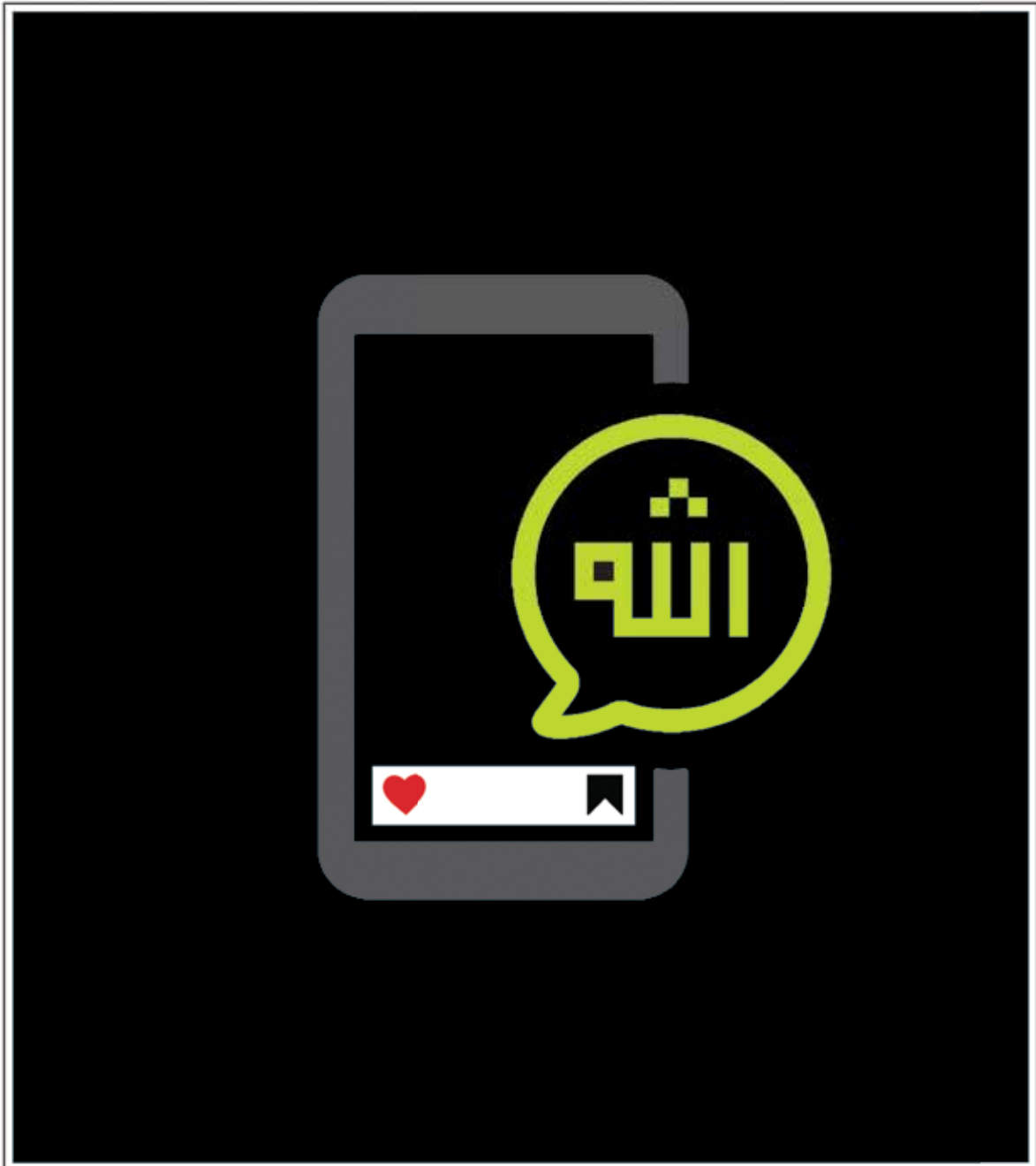


نسرین انصاری
دیگر مدرسه مثل
قبل نخواهد شد

امام حسین علیه السلام:

مَنْ دَعَا عَبْدًا مِنْ ضَلَالَةٍ إِلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ فَأَجَابَهُ، كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَعِتْقِ نَسَمَةٍ
هر کس انسانی را از گمراهی به شناخت حق و حقیقت، دعوت کند و آن شخص
قبول کند، پاداشی مانند آزاد کردن بنده خواهد داشت.

مسند زید، صفحه ۳۹۰





ماهیة فرا

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان و
دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره هفدهم، ۱۴۰۰
شماره پیاپی ۱۳۴
صفحه، ۳۵۰۰۰ ریال
www.roshdmag.ir

مدیر مسئول: محمدابراهیم محمدی

سر دبیر: فریدالدین حداد عادل

مدیر داخلی: مریم موسوی

مدیر هنری: کوروش پارسنازاد

دبیر عکس: پرویز فراگوزلی

ویراستار: کبری محمودی

طراح گرافیک: عبدالحمید سیامک نژاد

تصویرگر: سیدمیشم موسوی



آیا از کرونا ممنون باشیم؟! / فریدالدین حداد عادل ۲

ما و دوران پسا کرونا / سمیه مهندی ۳

برنامه درسی در زیست بوم مجازی / اسماعیل فیروزی ۴

فرصت طلب باشیم / محسن کردلو ۷

دیگر مدرسه مثل قبل نخواهد شد / نسرین انصاری ۱۰

مُصلِحَات آموزش مجازی / حسین غفاری ۱۳

کاهش اثرات سوء فضای مجازی و شبکه های اجتماعی / زهرا حامدی نسب ۱۶

فضای مجازی، شمشیر دو لبه / صادق حامدی نسب ۱۸

همگام با عصر جدید / امیر مرادی ۲۰

مدرسه های غیردولتی در پسا کرونا / امیر عسگری ۲۳

دغدغه مندان تازه کار / دکتر لیلا سلیقه دار ۲۶

تجربه یک پله گذار / لیلا صمدی ۲۹



نشانی پستی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵

تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱-۲۱ / داخلی ۴۲۰

تلفن امور مشترکین:

۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

صندوق پستی امور مشترکین:

۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

وبگاه:

www.roshdmag.ir

رایانامه:

Email: farda@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست



دبیر این شماره با

موضوع:

«آموزش در پسا کرونا»

سمیه مهندی



نویسندگان و مترجمان محترم!

این مجله متعلق به شماسست، تجربه های ناب، ایده ها و حاصل پژوهش های خویش را در اختیار دفتر مجله قرار دهید تا با انعکاس آن ها در مجله، علاقه مندان به این حوزه در تجارب شما شریک شوند. از شما عزیزان تقاضا داریم:

- مقاله هایی را که می فرستید، با موضوع مجله مرتبط باشد و در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- مقالات، حاوی مطالب کلی و گردآوری شده نباشد.
- مقاله ترجمه شده با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید فرمایید.
- نثر مقاله، روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی، دقت لازم را مبذول فرمایید.
- در نگارش مقاله از منابع و مآخذ معتبر استفاده کنید و در پایان آن، فهرست منابع را بیاورید.



آیا از کرونا ممنون باشیم؟!!



فریدالدین حداد عادل

حال تهدیدهای زیادی را نیز به صورت بالقوه و بالفعل به وجود آورده‌اند. ما در مواجهه با این دو مقوله، راه عقب‌گرد نداریم، فقط می‌توانیم همه انرژی و دوراندیشی تمدنی خودمان را برای پیشروی سنجیده و خردمندانه بسیج کنیم.

۳. در مسیر پیش رو، تمرکز نظام رسمی تعلیم و تربیت با مشکل روبه‌رو شده است. اکنون اگر برای روبه‌رو شدن با تنوع روش‌ها، منش‌ها و مشرب‌ها تدبیر نکنیم، مدیریت تعلیم و تربیت کشور را از دست می‌دهیم. حاکمیت بر کشور مستلزم برنامه‌ریزی خرد و کلان در عرصه آموزش و پرورش است و برنامه‌ریزی در اصلی‌ترین مراحل، محتاج تبعیت همه جامعه آماری مخاطب از دیدگاه‌ها و برنامه‌های نهاد رسمی متولی امر است. اکنون و با شرایط فعلی، هر کس می‌تواند برنامه خود را در عرصه تعلیم و تربیت در فضای مدرسه‌های موجود پیش ببرد. اگر فکر کنیم بدون برنامه‌ریزی متمرکز و هدفمند برای نظام آموزش و پرورش کشور و جریان تربیت کودکان و نوجوانان کشورمان می‌توانیم به درستی حاکمیت را اعمال کنیم، باید بدانیم که مشغول بازی «رولت روسی» هستیم.

۴. معلمان دنیای پس از کرونا با معلمان روزگار قبل از آن متفاوت‌اند. بسیاری از استانداردهای معلمی تغییر کرده‌اند، بخشی مهمی از صلاحیت‌های معلمی دگرگون شده و ارتقا یافته است. اگر معلمان جامعه به اقتضای نیازهای ایران فردا تربیت نشوند، فضای مجازی و جامعه جای آن‌ها را خواهند گرفت. این مسئله زنگ خطری جدی برای مرجعیت گروه اجتماعی معلمان در کشور است و چه بسا که حیات طبیعی نهاد آموزش و پرورش نیز با خطر مواجه شود.

کرونا زیست‌بوم آموزش و پرورش را تغییر داد. اگرچه هزینه‌های انسانی و مادی فراوانی به جامعه بشری تحمیل کرد و داغ عزیزان زیادی را بر دل همه نشاناند، اما کرونا در فرای جامعه بشری اثرات شگرفی باقی گذاشته است. آموزش و پرورش به عنوان بخش مهم حیات انسان مدرن در جهان و ایران تغییرات شگرفی را زین پس تجربه خواهد کرد. ما اکنون در آموزش و پرورش ایران اسلامی، چند گزاره قطعی درباره مسائل کرونا و ایام پس از آن داریم:

۱. بدنه مدیریتی وزارت آموزش و پرورش در سخت‌ترین سال‌های دوران انقلاب اسلامی، با گذار از فرازها و نشیب‌های بسیار، موفق شد اتفاقی بزرگ را در آموزش و پرورش رقم بزند! در ساده‌ترین تشبیه، ما شبیه کسانی هستیم که نه تنها وسیله نقلیه خود را عوض کرده‌ایم، بلکه در شرایطی حساس‌تر از معمول، بر مرکبی دیگر سوار شده‌ایم. شاید قبلاً فقط با خودرو رفت‌وآمد می‌کردیم، اما اکنون نوع وسیله ما تغییر یافته است.

مدیران عالی وزارت آموزش و پرورش توانسته‌اند با این اتفاق بزرگ مواجهه طراحی و عمل داشته باشند؛ به گونه‌ای که روند رسمی تعلیم و تربیت متوقف نشود. این خدمت بزرگ فراموش‌نشده است.

۲. دو مقوله جدید و جدی، به طرز فراگیر، عرصه آموزش و پرورش را فراگرفته‌اند. فضای مجازی و انواع وسایل فردی و اجتماعی ارتباط از راه دور؛ چه سخت‌افزار و چه نرم‌افزار. این دو عنصر که هم‌پوشانی‌های فراوانی دارند و شاید در خیلی مواقع از یکدیگر متمایز نباشند، فرصت‌های زیادی به وجود آورده‌اند، ناخواسته عرصه‌های جدیدی را خلق کرده‌اند و البته در عین

ما و دوران پسا کرونا



سمیه مهتدی

دکترای تکنولوژی آموزشی



دیگری برای معلمان و متعلمان نیاز است که در دوران قبل به آن‌ها اندیشیده نشده بود. متعلمان این روزها که از نسل بومیان دیجیتال هستند، بسیار راحت‌تر با این شرایط کنار آمدند، اما معلمان و والدین، به دلیل تفاوت‌های نگرشی و همچنین توانمندی‌های کمتر، دشوارتر و البته برخی نیز به اجبار به این تغییر تن در دادند. متخصصان و صاحب‌نظران معتقدند، جهان و به تبع آن نظام آموزش و پرورش، پس از پایان همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ و دوران کرونا، به شکل و شیوه قبل بر نخواهد گشت و دوران جدیدی در انتظار آن است، تحولی که در آموزش و روش‌های ارائه آن در دوران کرونا اتفاق افتاده است، مزیت‌ها و ظرفیت‌های تازه‌ای را پدیدار کرده که به راحتی قابل چشم پوشی نیست. در دوران کرونا همه به این باور رسیدیم که آموزش‌های حضوری ارزش‌هایی را دارد که با هیچ چیزی جایگزین نمی‌شود، اما بستر فناوری نیز می‌تواند برای تنوع بخشی به منابع یادگیری و فراهم کردن فرصت‌های متعدد یادگیری بسیار مفید باشد. به همین دلیل نیاز است مهارت‌ها و شایستگی‌هایی را کسب کنیم که در مواجهه شدن با دوران پسا کرونا ما را یاری دهد.

به هر محیط و موجودات زنده و عوامل غیرزنده درون آن در اصطلاح «زیست‌بوم» می‌گویند. براساس این تعریف، زیست‌بوم آموزش و پرورش شامل محیط یادگیری به همراه یاددهنده و یادگیرنده و همه عوامل موجود در محیط است. در دوران شیوع کرونا، این زیست‌بوم تغییراتی جدی داشت. مهم‌ترین آن‌ها تغییر محیط یادگیری از شیوه صرفاً حضوری و چهره به چهره به شیوه الکترونیکی و مجازی بود. در زیست‌بوم جدید آموزش و پرورش، نوع و کیفیت ارتباطات و تعاملات و حتی روش‌های تدریس تغییر کرد. این تغییر برای افراد مرتبط با فرایند آموزش و پرورش مشکلات و چالش‌هایی به وجود آورد. زمانی فناوری‌های نوین ابزارهایی بودند در دست یاددهنده برای کمک به یادگیرنده، اما امروز و در دوران کرونا این ابزارها بستر و محیط اصلی یادگیری شده‌اند؛ طوری که بدون آن‌ها امکان یادگیری وجود ندارد. با این تغییر بزرگ و قابل توجه، تمام معادلات آموزشی تغییر کردند. بسیاری از روش‌های تدریس قبل از کرونا که کارآمد و موفق هم بودند، در زیست‌بوم جدید قابل استفاده نیستند یا کارایی لازم را ندارند. در زیست‌بوم جدید به شایستگی‌ها و مهارت‌های

برنامه‌درسی در زیست بوم مجازی



اسماعیل فیروزی



کارشناس فناوری اطلاعات و ارتباطات آموزش و پرورش شهرستان روانسر، استان کرمانشاه

مقدمه

ویروس کرونا رخدادی جهانی است که توانست در بیش از یک سال گذشته روند فعالیت بسیاری از حوزه‌های جهان را دگرگون کند و به نوعی آینده‌جدیدی را برای انسان‌ها رقم بزند. این بیماری در بیش از یک سال گذشته تمامی رفتار، تصمیمات زندگی و نوع فعالیت بشر را تحت‌تأثیر قرار داد و چنین شد که دنیا به‌واسطه‌تصمیمات طبیعی در این شرایط، مانند فاصله‌گذاری اجتماعی و رعایت سایر دستورهای بهداشتی، به دوران پیش و پس از کرونا تقسیم شد. جهان پس از کرونا با تغییرات شگرف در جهان‌بینی، رفتار، اخلاق و سبک زندگی همراه است و در واقع تمام حوزه‌های زندگی، از کسب و کار و اقتصاد جوامع تا آموزش و پرورش تحت‌تأثیر قرار گرفتند. آموزش و پرورش با چالش بسیار عظیمی مواجه و به تغییر رویکرد ناچار شد و به‌ضرورت، از همان ابتدا به فضای مجازی روی آورد. در چنین شرایطی، زیست‌بوم حضوری و چهره‌به‌چهره به مجازی و دیجیتال تبدیل شد. در این وضع خاص، یادگیری بسیار بیشتر از

همه به مدد نظام آموزشی آمد. اکنون یادگیری از طریق وسایل سیار از جمله گوشی همراه، تبلت و لب‌تاپ حاصل می‌شود.

برنامه‌درسی

از برنامه‌درسی تعریف‌های متعددی ارائه شده‌اند، از جمله: برنامه‌درسی به‌عنوان مجموعه‌ای از درس‌ها یا برنامه‌ای برای تدریس، برنامه‌درسی به‌عنوان برنامه‌ای زمانی برای تدریس درس‌ها، برنامه‌درسی به‌عنوان فهرست رئوس مطالب درسی، برنامه‌درسی به‌عنوان تجربه، برنامه‌درسی به‌عنوان طرح و نقشه.

برنامه‌درسی به‌عنوان طرح و نقشه: در این برنامه فرصت‌های مناسب برای رسیدن به هدف‌های جزئی و کلی را که برای گروه یا مدرسه‌های مشخص طراحی می‌شود، مدنظر قرار می‌دهند. این برداشت از برنامه‌درسی متضمن پیش‌بینی اهداف و غایت‌ها، با تدارک تجربه‌ها و فرصت‌های یادگیری و نیز مسائلی نظیر ارزشیابی از برنامه است. تلقی از برنامه‌درسی به‌عنوان نقشه، جدیدترین و بنا به اعتقاد بیشتر برنامه‌ریزان

معاصر، جامع‌ترین مفهومی است که تا کنون برای برنامه‌درسی ارائه شده است.

عناصر برنامه‌درسی^۱: معروف‌ترین برداشت ارائه‌شده

از عناصر برنامه‌درسی، طبقه‌بندی و الگوی فرانسویس کلاین در الگوی مطالعه‌ مدرسه‌ای است (فتحی واجارگاه و شفيعی، ۱۳۸۶). جدیدترین دسته‌بندی مطرح در زمینه‌ عناصر برنامه‌درسی از آکر است که ده عنصر دارد: منطق^۲، اهداف^۳، محتوا^۴، فعالیت‌های یادگیری^۵، روش‌های تدریس^۶، مواد و منابع یادگیری^۷، زمان^۸، فضا^۹، گروه‌بندی^{۱۰} و ارزشیابی^{۱۱}. آکر^{۱۲} (۲۰۰۳) براساس الگوی کلاین به ده عنصر توجه کرده است که به غیر از منطق یا چرایی برنامه‌درسی، سایر عناصر با الگوی کلاین مشترک هستند. منظور از منطق این است که برای هر عنصر به یک چرا پاسخ داده شود. الگوی آکر ارتباطات موجود بین عناصر برنامه‌درسی را روشن می‌کند و نشان می‌دهد عناصر برنامه‌درسی چگونه با هم ارتباط دارند. به بیان دیگر، وی نشان داده است اجزا و عناصر برنامه‌درسی همانند تارهای عنکبوت به یکدیگر وابسته‌اند (فتحی واجارگاه و شفيعی، ۱۳۸۶).

به تعبیر ساده می‌توانیم بگوییم، برنامه‌درسی «نقشه‌راه یادگیری» است. برنامه‌درسی عبارت

است از طرح و نقشه‌سازمان‌دهی عناصر برنامه‌درسی در جهت تحقق اهداف آموزشی.

منطق یا چشم‌انداز: اصول کلی یا مأموریت اصلی برنامه را مشخص می‌کند. در واقع چرایی یادگیری دانش‌آموزان را تعیین می‌کند.

غایات و هدف‌ها: دانش‌آموزان برای دستیابی به چه هدف‌هایی می‌آموزند؟

محتوا: دانش‌آموزان چه چیزی می‌آموزند؟

فعالیت‌های یادگیری: دانش‌آموزان چگونه می‌آموزند؟

نقش معلم: معلم چگونه یادگیری را آسان و هدایت می‌کند؟

مواد و منابع: دانش‌آموزان با چه ابزارها و وسایلی می‌آموزند؟

گروه: دانش‌آموزان با چه کسانی می‌آموزند؟

فضا: دانش‌آموزان کجا می‌آموزند؟

زمان: دانش‌آموزان در چه زمانی می‌آموزند؟

ارزشیابی: دانش‌آموزان چقدر آموخته‌اند؟

سرانجام اینکه هر بند از تار عنکبوت به‌تنهایی بسیار سست و ضعیف است، اما خود تار چنان مستحکم و قوی است که می‌تواند شکار را به دام بیندازد. بر اساس چنین استعاره‌ای، گفتنی است، برنامه‌ریزی درسی پیچیدگی‌هایی دارد که به

شرط هم‌خوانی، هماهنگی و انسجام

عناصر برنامه به ثمر خواهد نشست.

سه منبع اصلی برای پاسخ‌گویی به سؤالات

مرتبط با طراحی برنامه و تعیین جهت‌گیری‌های اساسی یاددهی - یادگیری عبارت‌اند از: **دانش، جامعه و یادگیرنده.**

● **دانش:** منظور از دانش، میراث فرهنگی و علمی بشریت است. در اینجا سؤال این است که چه دانشی برای یادگیری و رشد و توسعه آینده لازم است.

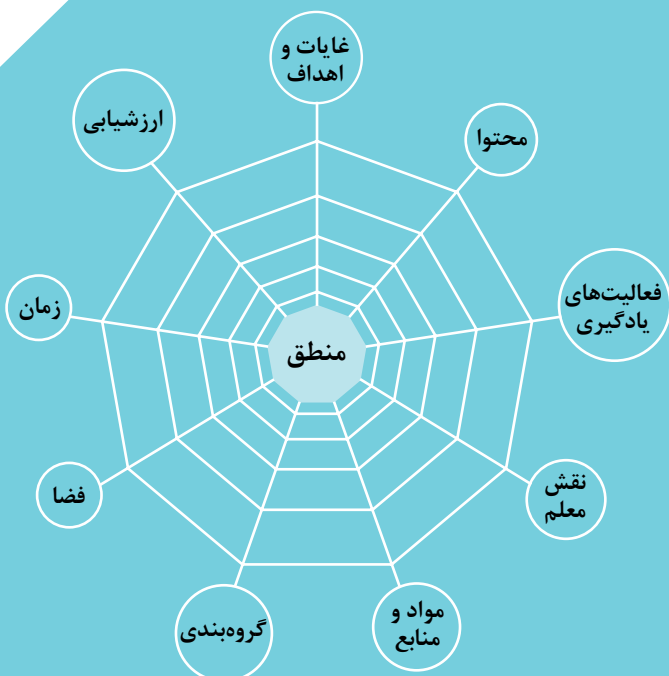
● **جامعه:** در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که با توجه به نیازها و تحولات جامعه چه مسائل و موضوعاتی باید در برنامه‌درسی گنجانده شوند.

● **یادگیرنده:** در اینجا این دست از سؤالات مطرح‌اند که با توجه به علاقه‌های شخصی یادگیرندگان، و نیازهای شخصی و آموزشی آنان، چه چیزهایی برای یادگیری ضروری هستند.

اما در زیست‌بوم مجازی

دانش، جامعه و یادگیرنده هر کدام به شکل خاصی از فضای مجازی متأثر شده و شکل

دانش، جامعه و یادگیرنده هر کدام به شکل خاصی از فضای مجازی متأثر شده و شکل متفاوتی به خود گرفته‌اند، به طوری که علاوه بر تعریف‌های رایج در زیست‌بوم حضوری، معانی خاص‌تر و وسیع‌تری را به ذهن متبادر می‌کنند



مقایسه عناصر برنامه درسی در زیست‌بوم حضوری با زیست‌بوم مجازی

ردیف	عناصر برنامه درسی	زیست‌بوم حضوری	زیست‌بوم مجازی
۱	منطق یا چشم‌انداز برنامه	اصول کلی یا مأموریت برنامه از قبل تعریف شده است.	علاوه بر اصول کلی یا مأموریت برنامه، کاهش شکاف دیجیتالی را نیز دنبال می‌کند.
۲	غایت‌ها و هدف‌ها	غایت‌ها و هدف‌ها از قبل تعریف شده است.	علاوه بر غایت‌ها و هدف‌های مشخص شده، هدف‌های آنی و خاص فضای مجازی را نیز شامل می‌شود.
۳	محتوای برنامه	بیشتر کتاب درسی است.	علاوه بر محتوای کتاب درسی، هر نوع فایل الکترونیکی از جمله نرم‌افزار، فیلم، عکس و متن را نیز در برمی‌گیرد.
۴	فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان	دانش‌آموزان از طریق تعامل در دنیای واقعی می‌آموزند.	دانش‌آموزان از طریق تعامل در دنیای مجازی می‌آموزند.
۵	نقش معلم	به صورت حضوری یا چهره به چهره تدریس و بر امور آموزشی دانش‌آموزان نظارت می‌کند.	در فضای مجازی تدریس می‌کند و به صورت مستمر بر پیشرفت‌های درسی دانش‌آموزان نظارت و آن را پیگیری می‌کند.
۶	مواد و منابع	دانش‌آموزان از ابزارهای سنتی مانند کتاب درسی، نقشه و کره جغرافیایی استفاده می‌کنند.	دانش‌آموزان علاوه بر کتاب درسی، از ابزارهای الکترونیکی و دیجیتال استفاده می‌کنند.
۷	گروه‌بندی	دانش‌آموزان در گروه‌های چند نفره به صورت محدود فعالیت می‌کنند.	دانش‌آموزان در گروه‌های بزرگ‌تر و به صورت مجازی فعالیت دارند.
۸	فضا	فضای واقعی مدرسه و کلاس درس است.	فضای مجازی در برنامه‌های تعریف‌شده از جمله «شاد» و سایر نرم‌افزارهای تعاملی و ارتباطی است.
۹	زمان	محدودیت زمانی وجود دارد و آموزش به زمان حضور در کلاس درس منحصر است.	محدودیت زمانی وجود ندارد و در هر بازه زمانی آموزش میسر است.
۱۰	ارزشیابی	به صورت تکوینی و پایانی و به شکل‌های کتبی و شفاهی است.	به صورت کار پوشه الکترونیکی و مجموعه‌ای از فرایندهای مستمر و آزمون‌های پایانی الکترونیکی است.

* پی‌نوشت‌ها

1. Curriculum Elements
2. Logic
3. Goals
4. Content
5. Learning activities
6. Teaching methods
7. Learning materials and resources
8. Time
9. Space
10. Grouping
11. Evaluation
12. Akker

* منابع

۱. فتیحی و اجارگاه، کوروش (۱۳۸۸). اصول و مفاهیم برنامه‌ریزی درسی. انتشارات بال. تهران.
۲. فتیحی و اجارگاه، کوروش و شفیع، ناهید (۱۳۹۱). ارزشیابی کیفیت برنامه درسی دانشگاهی (مورد برنامه درسی بزرگ‌سالان). فصلنامه مطالعات برنامه درسی.
3. Akker, J. V. D. (2003). Curriculum perspectives: An introduction. In J. van den Akker, W. Kuiper & U. Hameyer (Eds.), Curriculum landscapes and trends (pp. 1-10). Dordrecht: Kluwer Academic Publishers

متفاوتی به خود گرفته‌اند، به طوری که علاوه بر تعریف‌های رایج در زیست‌بوم حضوری، معانی خاص‌تر و وسیع‌تری را به ذهن متبادر می‌کنند. به تعبیری، دانش با فرامتن‌ها و فرآیندها گره خورده است. جامعه مجازی نیازهای متفاوت‌تری دارد و یادگیرنده نیز در فرایند یادگیری باید از روش‌های نوین مجازی بهره‌مند شود و چهره ارائه آموزش نیز متفاوت‌تر می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به تغییرات به وجود آمده در زیست‌بوم جدید و همچنین عناصر برنامه درسی، نظام آموزشی باید خود را به‌روز کند و منطبق با زیست‌بوم مجازی ادامه فعالیت دهد؛ از جمله به‌روزرسانی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و توجه به نقش‌های جدید؛ تولید محتوای الکترونیکی؛ آموزش‌های مستمر و ضمن خدمت معلمان؛ آموزش سواد دیجیتال به دانش‌آموزان؛ فرهنگ‌سازی در بستر جدید؛ انطباق با شکل و چهره جدید ارائه آموزش. در جدول بالا مقایسه‌ای از عناصر برنامه درسی در دو زیست‌بوم حضوری و مجازی آورده شده است.

فرصت طلب باشیم

قابلیت‌ها و چشم‌اندازهای آموزش مجازی در زیست‌بوم جدید آموزش و پرورش

محسن کردلو



مدیر مدرسه‌ی عمار ۲ آموزش و پرورش شهر کرج، استان البرز

مقدمه

با ظهور و شیوع گسترده‌ی ویروس کرونا در جهان، زیست‌بوم جدیدی برای آموزش و پرورش به وجود آمد که دست‌اندرکاران، معلمان، دانش‌آموزان و اولیا را به هم‌زیستی با این ویروس و در نتیجه رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی، منطبق با شرایط موجود، ناگزیر کرده است. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد مسیر سلامت از مسیر آموزش و پرورش می‌گذرد. بنابراین، دانش‌آموزان باید با کسب آموزش‌ها و مهارت‌های لازم مراقب خود و دیگران باشند تا زندگی سالم‌تری داشته باشند و با دریافت آموزش‌های ضروری تعلیم و تربیت رسمی و عمومی (مدرسه‌ای) بتوانند در حال و آینده برای خود و جامعه‌ی خویش فرد تأثیرگذاری شوند. با تولد ویروس کرونا ساختارها و محیط کار یا فعالیت قبلی نظام تعلیم و تربیت کل جهان تغییر کرده و زیست‌بومی جدید به وجود آمده است که آموزش و پرورش ایران نیز از آن مستثنا نیست؛ زیست‌بومی که تا حدودی مبهم و پیچیده است و قابلیت پیش‌بینی کمی دارد. زیرا با تغییر و تحولات سریع، همه‌جانبه و عمیق روبه‌روست؛ تا حدی که می‌توان ادعا کرد

هیچ پدیده‌ای در دوران معاصر به میزانی که ویروس کرونا جهان و تعلیم و تربیت را با مسئله و چالش مواجه ساخته است، نتوانسته روی ساختارها، کارکرد و فعالیت‌های جامعه و تعلیم و تربیت تأثیر بگذارد.

محل فعالیت آموزش و پرورش از نظام رایج چهره‌به‌چهره، به نظام آموزش غیرحضور و مجازی (برخط و غیر برخط) تغییر پیدا کرده است؛ آموزش و پرورش‌هایی که به جای تعطیلی، با فراهم آوردن زیربنای آموزش‌های مجازی، آموزش و پرورش را به درون خانه‌ها برده است. در این شرایط، شکل و نوع مناسبات فردی - اجتماعی دست‌خوش تغییر شده و روابط قدرت، سلسله مراتب بین معلم - دانش‌آموز، تحقق فردیت، بسط دیوارهای کلاس و به‌طور کلی مناسبات جدید شکل گرفته‌اند. همین شکل جدید از زیست‌بوم، قابلیت‌ها و چشم‌اندازهای چندی را برای آموزش و پرورش به ارمغان آورده است که در این جا به برخی از آن‌ها به‌صورت مختصر اشاره می‌شود:

۱. شبانه‌روزی‌شدن آموزش و پرورش و فضای همیشه

چند بار آن‌ها را تماشا کنند و یاد بگیرند.

۶. انعطاف‌پذیری و آموزش‌های ترکیبی و متنوع: در

زیست‌بوم جدید که امکان حضور هم‌زمان همه دانش‌آموزان در مدرسه وجود ندارد، روش‌ها و ابزارهای آموزشی متنوع‌تر شده‌اند و به‌عنوان مکمل‌های آموزشی توسط معلمان و دانش‌آموزان در حال استفاده‌اند. آموزش‌های شبکه‌آموزش تلویزیون، محیط‌های فردی آموزش، ارسال درسنامه‌ها به دانش‌آموزان، آموزش‌های منزل‌محور، تماس و ارتباط تلفنی معلمان با دانش‌آموزان، تنوع در شیوه‌ها و روش‌های آموزشی سازگار با فضای مجازی، آموزش‌های فردمحور، استفاده از فناوری‌های نوین، تهیه اطلس یادگیری و دیگر روش‌ها، به‌خاطر انعطاف‌پذیری‌شان، تنوع و تعمیق یادگیری دانش‌آموزان را در پی دارند.

۷. دسترسی برخط به مدارک و منابع: به علت اینکه

آموزش به‌صورت مجازی صورت می‌گیرد و امکان حضوری و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و دیگر منابع اطلاعاتی کم است، مؤسسات مربوطه بسیاری از منابع خود را به‌صورت برخط در اختیار استفاده‌کنندگان قرار داده‌اند.

۸. صرفه‌جویی در هزینه‌های جاری مدرسه و خانواده:

چون دانش‌آموزان در مدرسه حضور خیلی کمی می‌یابند، در

در دسترس: زیست‌بوم جدید آموزش و پرورش (آموزش الکترونیکی) به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد در ۲۴ ساعت شبانه‌روز و ۷ روز هفته آموزش‌هایی را به‌صورت آنلاین و آفلاین دریافت کنند. همچنین، دانش‌آموزان می‌توانند در تمام سنین و دوره‌های تحصیلی برای یادگیری مهارت‌های جدید، بدون محدودیت، با استفاده از دوره‌های آموزشی الکترونیکی، اقدام کنند.

۲. قابلیت فرازمانی و فرامکانی‌شدن آموزش و پرورش:

به این صورت که معلمان، دانش‌آموزان و دیگر دست‌اندرکاران آموزش و پرورش فراتر از کلاس و مدرسه (در خانه و ...) کلاس‌های خود را برگزار می‌کنند. از سوی دیگر، برای برگزاری کلاس، به زمان ورود و خروج به مدرسه، مانند قبل، پایبند نیستند و هر زمان که بخواهند، می‌توانند مهارت‌ها و آموزش‌هایی را با دانش‌آموزان به اشتراک بگذارند. هر چند آموزش و پرورش از قبل زمانی را برای آموزش مشخص می‌کند که معلمان و دانش‌آموزان در آن ساعت‌ها برخط هستند و می‌توانند بقیه ساعت‌ها را غیر برخط کار کنند. بنابراین، محیط و زمان یادگیری - یاددهی در زیست‌بوم جدید تغییر یافته است.

۳. ارتباطات هم‌زمان و غیرهم‌زمان:

معلمان می‌توانند ارتباط‌های برخط و زنده و نیز غیر برخط با همه و تک‌تک یادگیرندگان داشته باشند.

۴. تغییر نقش معلم و متعلم: در

زیست‌بوم جدید معلم از نقش محوری به نقش تسهیل‌کنندگی و دانش‌آموزان از نقش منفعل به نقش فعال تغییر روش داده‌اند. در این میان مسئولیت آموزشی و پرورشی والدین نیز بیشتر از قبل شده است. در واقع، ناظر اصلی یادگیرندگان والدین یا دیگر اعضای خانواده هستند.

۵. تحصیل براساس سرعت خود دانش‌آموز: با توجه به

اینکه آموزش در فضای مجازی صورت می‌گیرد و محتوا همیشه در دسترس دانش‌آموزان قرار دارد، دانش‌آموزان بر طبق توانایی و ویژگی‌های فردی خود می‌توانند سرعت یادگیری‌شان را تنظیم کنند و در صورت نیاز همیشه می‌توانند به محتوا دسترسی داشته باشند و مکرر از آن استفاده کنند. این ویژگی باعث کاستن از کلافگی دانش‌آموزان باهوش می‌شود. چون معلم آموزش‌های مربوطه را از قبل بارگذاری می‌کند و دانش‌آموزان باهوش یا تیزهوش می‌توانند یک بار و دیگر دانش‌آموزان با توجه به توانایی‌های خود

با تولد ویروس
کرونا زیست‌بوم
جدیدی در
آموزش و پرورش
به وجود آمده
است که به
شبانه‌روزی شدن
آموزش و پرورش
و شکل‌گیری
فضایی همیشه
در دسترس
برای معلمان و
دانش‌آموزان
منجر شده است



مصرف حامل‌های انرژی‌هایی چون آب، برق، گاز و تلفن، و دیگر هزینه‌های جاری صرفه‌جویی می‌شود. از طرف دیگر، چون والدین و دانش‌آموزان رفت و آمد ناچیزی به مدرسه دارند، از هزینه‌های رفت‌وآمد و دیگر هزینه‌های مرتبط نیز کاسته می‌شود.

۹. کاهش میزان مشارکت و نفوذ وزارت آموزش و پرورش، استان و منطقه و افزایش نقش مدرسه و خانواده در فرایند تحصیلی دانش‌آموزان: به نظر

می‌رسد در زیست‌بوم جدید، چون دخالت مدرسه و والدین در فرایند آموزش و پرورش دانش‌آموزان بیشتر شده است، میزان مشارکت وزارت، استان و منطقه کمتر است. به همین دلیل، لازم است برای اداره بهتر مدرسه، مدیران و شورای مدرسه برای هر آموزشگاه در چارچوب‌هایی کلی که وزارت تعیین می‌کند، طرح مشخصی برای مدرسه طراحی و اجرا و بسیاری از تصمیمات را مطابق با شرایط و نیازهای جدید اتخاذ کنند. از سوی دیگر، با توجه به وضعیت موجود، لازم است خانواده‌ها مشارکت بیشتری در تعلیم و تربیت فرزندان ایفا کنند. بنابراین، از یک طرف ارتباط بیشتر مدرسه و خانواده و از طرف دیگر تفویض اختیار بیشتر و توانمندسازی این دو برای تجلی مدرسه‌محوری باید محقق شود.

۱۰. ذخیره و اختصاص زمان بیشتر

برای هر دانش‌آموز: یادگیری در زیست‌بوم جدید برای دانش‌آموزان به لحاظ زمانی می‌تواند مفید باشد. یادگیری مجازی غالباً به صورتی طراحی می‌شود که به دانش‌آموزان اجازه دهد تصمیم بگیرند یادگیری چه چیزی برایشان بیشتر نیاز است و از سوی دیگر چه مقدار زمان باید به کسب محتوای درسی مورد نظر اختصاص دهند.

در دوره‌های کلاس‌های حضوری، دانش‌آموزان مجبورند در تمام مدت دوره سر کلاس حضور داشته باشند؛ حتی اگر بخشی از دانش مربوط به آن درس را داشته باشند. اما شرایط آموزش غیرحضوری به آن‌ها اجازه می‌دهد انتخاب کنند زمان و تلاش خود را برای محتوای درسی در طول دوره به چه صورتی صرف کنند. بسیاری از یادگیرندگان همچنین خواهند توانست زمان کمتری برای رفت‌وآمد بگذارند، چرا که می‌توانند با استفاده از اینترنت آموزش‌ها را دریافت کنند.

۱۱. رایگان بودن اینترنت معلمان و

دانش‌آموزان برای حضور در کلاس درس مجازی: با توجه به اینکه در زیست‌بوم جدید معلمان و دانش‌آموزان از برنامه شاد برای برگزاری کلاس درس استفاده می‌کنند، هزینه‌ای بابت اینترنت شاد پرداخت نمی‌کنند.

۱۲. بی‌اهمیت بودن ناتوانی‌های

جسمی: چون دانش‌آموزان در زیست‌بوم حاضر در مدرسه حضور نمی‌یابند، اگر ناتوانی‌های جسمی داشته باشند، کمتر برای آن‌ها مشکل ایجاد می‌شود.

نتیجه‌گیری

زیست‌بوم جدید دستگاه تعلیم و تربیت با وجود چالش‌هایی که برای دست‌اندرکاران، معلمان، دانش‌آموزان و والدین ایجاد کرده، قابلیت‌ها و چشم‌اندازهای جدیدی را به وجود آورده است. چیزی که در این بین مهم می‌نماید این است که چالش‌های موجود به فرصت تبدیل شوند تا نهایت استفاده از این موقعیت برای همه دست‌اندرکاران آموزش و پرورش به وجود آید و این زمانی قابل تحقق خواهد بود که مسئولان ذیربط، مدیران، معلمان، والدین و حتی دانش‌آموزان، برنامه‌ریزی‌های دقیقی داشته باشند.

* منبع

Hjeltnes, T. A. (2004). Cost Effectiveness and Cost efficiency in E-learning. Norway. TISIP.QUIS (Quality Interoperability and Standards in E-learning) TEAM.



**زمانی چالش‌ها
به فرصت تبدیل
می‌شوند که
مسئولان ذیربط،
مدیران، معلمان،
والدین و حتی
دانش‌آموزان،
برنامه‌ریزی‌های
دقیقی داشته
باشند**





دیگر مدرسه مثل قبل نخواهد شد

آسیب‌های فضای مجازی در زیست‌بوم جدید آموزش و پرورش و راهبردهای پیشگیرانه آن

نسرین انصاری



دبیر آموزش و پرورش و مدرس دانشگاه فرهنگیان

دارند که هر طرح جدیدی از آن ناگزیر است؛ به‌ویژه اگر همراه مهمانی ناخوانده، و با شتاب و اجبار اجرا شده باشد. در این نوشتار قصد بر آن است که برخی از آسیب‌ها در این زمینه گفته و راهبردهایی برای برون‌رفت از این مشکلات ارائه شوند. امید که در جهت پیشبرد اهداف عالی آموزش و پرورش مفید باشد.

آسیب اول: نبود اعتماد به کیفیت آموزش‌های الکترونیکی

رونمایی سریع آموزش و پرورش از یک ابزار برای یادگیری الکترونیکی، جای بسی خرسندی و تقدیر است، اما از آنجا که فرصت لازم برای طی کردن مراحل طراحی^۱ وجود نداشته است، مقید کردن مدرسه به استفاده از آن، ابزار را به هدف تبدیل کرده است. مشکلات نصب و راه‌اندازی (سال گذشته)، کم‌بودن امکانات (با وجود ایجاد امکانات جدید) در پاسخ‌گویی به نیاز مدرسه‌ها (سال جاری)، تسلط‌نداشتن برخی معلمان به تولید محتوای الکترونیکی، وقت‌گیر بودن تولیدات باکیفیت، استفاده از پیام‌رسان به‌جای سیستم‌های مدیریت یادگیری (LMS)، سردرگمی دانش‌آموزان و گلايه‌های اولیا را افزایش داده است. اخباری می‌رسد که قابلیت در حال افزایش است، آموزش کاربران پیام‌رسان شاد اما به نظر می‌رسد



«زیست‌بوم» گروهی از موجودات زنده را گویند که با یکدیگر و محیط غیرزنده پیرامون خود تعامل دارند. بیش از ده‌سال است که این واژه در محافل تعلیم و تربیت نیز رواج یافته است و زیست‌بوم‌های یادگیری مورد توجه قرار گرفته‌اند. برای زیست‌بوم‌های یادگیری، ویژگی‌های متعددی ذکر کرده‌اند که غیررسمی و غیرساختاری بودن، تداوم داشتن، غنی بودن از ابزار، اعتماد، سادگی، غیرمتمرکز بودن، تحمل بالا داشتن برای تجربه و خطا، از آن جمله‌اند.

شرح این موارد و بررسی اینکه تا چه اندازه آموزش‌های مجازی آموزش و پرورش را می‌توان در بستر یک زیست‌بوم تعریف کرد، در این مجال نمی‌گنجد، اما اگر با اغماض، تعاملات امروزه آموزش و پرورش را در یک زیست‌بوم یادگیری

متصور شویم، با شیوع بیماری کرونا، مهاجرت یکباره آموزش‌ها به فضای مجازی در بستر این زیست‌بوم تعریف می‌شود که مزایا و چالش‌هایی داشته است؛ مزایایی که به‌واسطه آن بسیاری مدعی‌اند تعلیم و تربیت پس از کرونا به وضع قبلی خود بر نخواهد گشت و از روش‌های موجود به‌صورت تلفیق آن‌ها با روش‌های قدیمی استفاده خواهد شد. اما چالش‌ها و آسیب‌هایی نیز وجود



آسیب دوم: افزایش سطح استرس و آسیب‌های جسمی

ظرفیت پایین پیام‌رسان، سرعت کم اینترنت (زمان‌های هدررفته در بارگیری و بارگذاری)، مشکلات ناشی از نداشتن ابزارهای مناسب (تلفن همراه، تبلت، رایانه و...)، رعایت نکردن زمان آموزش توسط برخی معلمان (که روزهای تعطیل هم دانش‌آموزان را به کلاس فرا می‌خوانند یا با ارسال تکالیف زیاد، به توان دانش‌آموزان توجهی ندارند)، دانش‌آموزان و اولیایی که بی‌موقع و در زمان‌های نامناسب از معلم می‌خواهند پاسخ‌گوی هر چالشی باشد، قرنطینه‌های خانگی و ترس از بیماری، تحمل چنین شرایطی را بسیار دشوار کرده است. به قول یکی از روان‌شناسان، در دوران

پسا‌کرونا باید سال‌ها کار کنیم تا آسیب‌های روحی و روانی افراد را التیام بخشیم. به نظر می‌رسد این مسئله در مورد کسانی که با سیستم‌های یادگیری الکترونیکی و مشکلات آن دست‌وپنجه نرم کرده‌اند، بیشتر باشد. همچنین، نبود اطلاعات بهداشتی کافی در زمینه نحوه استفاده از گوشی‌های تلفن همراه و ابزارهای الکترونیکی در یادگیری، تکالیف زیاد و ساعات طولانی کار با چنین ابزارهایی، با تأکید بیش از اندازه بر موارد دیداری که نیازمند خیره‌شدن و چشم‌دوختن به صفحه نمایش رایانه است و مانند آن‌ها، مشکلاتی

جدی در سلامتی جسمی کاربران فضای مجازی ایجاد کرده‌اند. افزایش مشکلات مربوط به چشم و ستون فقرات در بسیاری از منابع پزشکی و فناوری هشدار داده شده است. لازم است تأملی داشته باشیم که چقدر از این هشدارها به گوش کاربران رسیده‌اند. قانون ساده‌ای مانند ۲۰ و ۲۰ و ۲۰ را برخی کاربران (حتی پس از یک سال ورود شرایط ویژه

و پشتیبانی فنی به حد کافی وجود ندارد. بسیاری از کاربران اذعان می‌دارند در فرایندی اکتشافی با این پیام‌رسان کار می‌کنند و نیازمند زمانی بس طولانی و انجام خطاهای فراوانند که لازمه هرگونه اکتشافی است. اگر به همه این موارد عادت‌های رایج در زمینه نقش‌نظارتی بالای معلمان را نیز اضافه کنیم، موجب شده است دانش‌آموزانی که نسبت به یادگیری خود بی‌تفاوت هستند و تنها انگیزه یادگیری آنان پاسخ به سؤالات در جلسه آزمون‌های مدرسه است، این روزها برای یادگیری کمتر خود را به‌زحمت بیندازند و با روش‌هایی مانند دریافت پاسخ‌نامه از هم‌تایان، به هدف خود نائل شوند و نیازی به سخت‌کوشی نداشته باشند. مجموع این مسائل موجب افت بازده در یادگیری و تصور غلط ناکافی بودن آموزش‌های الکترونیکی است و نوعی درماندگی آموخته‌شده نسبت به آموزش‌های از راه دور ایجاد کرده است. در تمامی منابعی که به مسائل عاطفی و انگیزشی در آموزش پرداخته‌اند، در زمینه اولین مواجهه یادگیرندگان با موضوعات حساس‌اند و معتقدند اگر بر موفقیت‌آمیز بودن اولین تجربه‌های یادگیری دقت شود، سایر تجربه‌ها و دشواری‌ها با سهولت بیشتری پیگیری خواهند شد. متأسفانه غفلت از این موضوع فضای ذهنی افراد بی‌شماری را نسبت به آموزش‌های الکترونیکی تیره‌تر کرده است و بسیاری از ناراضی‌هایی که اکنون به دلیل تجربه ناخوشایند اولیه است.

برای برون‌رفت از این مشکل پیشنهاد می‌شود، در یک فرایند علمی، یادگیری الکترونیکی در آموزش و پرورش بازتعریف شود و با بررسی امکانات سامانه‌های مدیریت یادگیری، اجازه دسترسی به آن‌ها در دستور کار قرار گیرد. آگاه کردن کاربران و ایجاد مهارت استفاده از ابزارها، در تغییر نگرش آنان مؤثر است. تأکید بر استفاده از تلویزیون آموزشی (به‌ویژه در دوره ابتدایی) با شیوه‌ای کارآمدتر بر مبنای ظرفیت تلویزیون، اضافه کردن یادگیری الکترونیکی به‌عنوان مکمل برنامه‌های تلویزیونی (نه مجزا از آن) می‌تواند ثمربخش باشد. همچنین، آموزش معلمان (درزمینه‌هایی چون طراحی آموزشی، فنون تدریس در آموزش الکترونیکی، تولید محتوای الکترونیکی و مهارت‌آموزی کار با سامانه‌های یادگیری الکترونیکی)، فعال‌سازی گروه‌های آموزشی در مناطق و استان‌ها برای هم‌افزایی معلمان توانمند در تولید محتوای الکترونیکی و تهیه بسته‌های آموزشی ارزیابی شده، ایجاد سامانه‌های بانک اطلاعاتی برای معلمان (به‌منظور به اشتراک‌گذاری تولیدات آنان با رعایت مالکیت معنوی آثار)، تشکیل گروه ارزیابی از محتواهای الکترونیکی و دعوت از فناوران آموزشی برای حضور پررنگ در ارائه خدمات مشاوره‌ای به معلمان، ارائه آموزش و خدمات پشتیبانی به کاربران، کمک به دانش‌آموزان در ایجاد انگیزه یادگیری و یادگیری مستقل، تغییر روش‌های آموزش و ارزشیابی به رویکردهای مبتنی بر حل مسئله و در نهایت تغییر نقش نظارتی معلم به نقش حمایتی، می‌تواند به افزایش کیفیت آموزش‌ها و تغییر نگرش افراد منجر شود.



برای جلوگیری از آسیب‌های فضای مجازی لازم است تولید برنامه‌های فرهنگ‌سازی مورد توجه قرار گیرند و سطح سواد رسانه‌ای جامعه رشد یابد





آسیب چهارم: نبود فرهنگ استفاده و سواد رسانه‌ای

استفاده از وسیله‌ای مانند تلفن همراه که برای دانش‌آموزان ممنوع بوده است، امروزه به جزئی جدانشدنی در آموزش آنان تبدیل شده است. خانواده‌هایی که به‌واسطه آموزش‌های مجازی برای نوجوانان خود تلفن همراه یا ابزارهای دیگری با قابلیت اتصال به اینترنت تهیه کرده‌اند و ساعات‌های طولانی وی را برای آموزش‌های مدرسه‌ای تنها می‌گذارند، فرصتی را برای گشت‌وگذار در وادی‌هایی که ذهن کنجکاوشان آنان را هدایت می‌کنند، در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند. چقدر اینترنت برای این قشر ایمن است؟ چه خطر و چه آسیبی را باید در این شرایط انتظار بکشیم؟ برای فرهنگ‌سازی در استفاده از اینترنت چه باید بکنیم؟ استفاده ایمن از اینترنت موضوعی است که از ۱۷ سال پیش، با هدف بالابردن آگاهی عمومی در زمینه چالش‌های استفاده از اینترنت و نگرانی‌های خانواده‌ها درباره آسیب‌های ناشی از حضور فرزندان در فضای مجازی، به‌طور جدی دنبال می‌شود و حتی یک روز در سال را به آن تخصیص داده و نام‌گذاری کرده‌اند.

لازم است تولید برنامه‌های فرهنگ‌سازی مورد توجه قرار گیرد تا سطح سواد رسانه‌ای جامعه رشد یابد. بدیهی است در چنین امر خطیری نمی‌توان آموزش و پرورش را تنها گذاشت و عزمی ملی را می‌طلبد.

امید است با همکاری همه نهادها و سازمان‌های مرتبط با آموزش و پرورش در شرایط ویژه‌ای که به جهش ناگهانی استفاده از فناوری‌های نوین در تعلیم و تربیت منجر شده است، بتوانیم هر چه بیشتر در جهت افزایش کیفیت و نزدیک شدن به مزایا و دوری از آسیب‌ها و چالش‌ها گام برداریم.

* پی‌نوشت

۱. طراحی شامل مراحل چون تحلیل، برنامه‌ریزی اجرا، ارزشیابی و بازخورد به‌صورت یک چرخه است که اثرات بازخورد موجب بهبود می‌شود.

کرونا به کشور) نمی‌دانند و از آن استفاده نمی‌کنند.

الزام اجرای برنامه ساعات ارتباط معلم و دانش‌آموز، توجیه معلمان در استفاده از روش‌های کارآمد به جای ارائه تکالیف زیاد و طاقت‌فرسا به دانش‌آموزان، رفع مشکلات ناشی از سرعت پایین اینترنت، ارائه خدمات و تسهیلات تهیه ابزارها، ارائه خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناسی به دانش‌آموزان، اولیای آنان و معلمان در ایام کرونا و ارائه ابزارهای جایگزین و کارآمد می‌تواند در این زمینه کمک‌کننده باشد. آموزش معلمان و انتقال مفاهیم و مهارت‌ها به دانش‌آموزان توسط معلمان در زمینه بهداشت و راهکارهای پیشگیرانه، تأثیرگذارترین فعالیت است. پس از آن، تبلیغات در رسانه‌های جمعی مانند تلویزیون می‌تواند در اولویت قرار داده شود. تهیه و انتشار بروشورها، پوسترها و چارت‌های آموزشی در سامانه‌های رسمی مدرسه‌ها مفید است.

آسیب سوم: ایجاد زمینه‌هایی برای بروز ناهنجاری و بزه

اگر استفاده از یک سیستم بدون توجیه کامل و وظیفه‌افزایی شود که به‌خوبی با آن آشنایی ندارند، احتمال قانون‌شکنی مجریان وجود دارد. معلمانی که (برای عقب‌نماندن از بودجه‌بندی تدریس در سال تحصیلی یا پاسخ‌گویی بیشتر)، با وجود قوانین وضع شده، دانش‌آموزان خود را به واتس‌آپ و تلگرام فرا می‌خوانند، با تمام حسن نیت خود باید از خود بپرسند چه پیام اخلاقی را به دانش‌آموزان خود منتقل می‌کنند؟ زیر پا گذاشتن قوانین و صحبت از ناکارآمد بودن ابزارها، مسیری است که این روزها در بسیاری از مدرسه‌ها طی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که حتی دانش‌آموزان دوره ابتدایی هم می‌توانند درباره آموزه‌های خود از این رویداد سخن بگویند.

توجه، چاره‌اندیشی، ارائه پاسخ‌های عملی و قانع‌کننده در زمینه مشکلات معلمان و دانش‌آموزان می‌تواند راهگشا باشد. چه‌بسا توجه‌نکردن به این مهم و زیر پا گذاشتن قوانین، قانون‌شکنی را به‌عنوان درسی عملی به دانش‌آموزان، به‌ویژه کودکان، منتقل کند و تبعات نامناسبی را رقم بزند.



پیشنهاد می‌شود در فرایندی علمی، یادگیری الکترونیکی در آموزش و پرورش بازتعریف شود و با بررسی امکانات سامانه‌های مدیریت یادگیری، اجازه دسترسی به آن‌ها در دستور کار قرار گیرد





مُصلِحَات

آموزش مجازی

آموزه‌های تربیت رسانه‌ای برای معلمان بر خط

حسین غفاری



معلم و پژوهشگر تربیت رسانه‌ای

ندارد. اما از آنجا که «بی‌جسمی» از خصلت‌های ذاتی دنیای مجازی است، در کلاس مجازی باید برای برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان، زمان کافی را در نظر گرفت. در کلاس مجازی، حتی برقراری ارتباط اولیه با شاگردان، نیازمند تمهیدات ویژه‌ای است. انجام فعالیتی مفرح در آغاز کلاس، استفاده از لحن طنز در تدریس و اختصاص زمان کافی برای صحبت کردن بچه‌ها در حین برگزاری کلاس، از جمله مُصلِحَات هستند.

۲. توجه به برقراری رابطه شاگردان با هم

در شرایط قرنطینه، هر چند تمام فرایندهای آموزشی مدرسه مثل برگزاری کلاس و انجام تکالیف و برگزاری امتحانات به فضای مجازی منتقل شده‌اند، اما بخش مهمی از کارکردهای محیط مدرسه، یعنی برقراری ارتباطات هم‌تراز میان کودکان و نوجوانان در زنگ‌های تفریح و کلاس‌های درس، کاملاً حذف شده‌اند. لذا معلمان مجازی، به‌عنوان تنها واسطه ارتباط مدرسه و دانش‌آموزان، باید در تعریف فعالیت‌های گروهی برای دانش‌آموزان اهتمام ویژه داشته باشند. به این منظور، ضروری است ضمن بازنگری به طراحی آموزشی به نفع یادگیری گروهی، در طول کلاس‌های مجازی، برای گفت‌وگوی دانش‌آموزان با هم نیز زمانی اختصاص یابد.

تعریف زمان‌هایی مجزا به‌عنوان زنگ تفریح مجازی که بچه‌ها بتوانند آزادانه با هم ارتباط بگیرند و گفت‌وگو و رفاقت کنند هم از جمله مُصلِحَاتی است که در برنامه مدرسه باید گنجانده شود.

در طب سنتی ایرانی، هر غذا و ماده خوراکی یک یا چند «مُصلِح» دارد. «مُصلِحَات»، برخی مواد غذایی یا گیاهان دارویی هستند که مصرف آن‌ها به همراه غذای اصلی می‌تواند در اصلاح و تعدیل عوارض جانبی آن غذا مؤثر باشد و هضم غذا را ساده‌تر و فایده‌های غذا را در بدن مضاعف کند. «گردو» در کنار پنیر، «نعناع» به همراه ماست و «نمک» روی خیار، نمونه‌هایی از مُصلِحاتی هستند که در عادات‌های غذایی ما کاملاً جا افتاده‌اند. قرنطینه اجباری دانش‌آموزان و آموزش مجازی در سال تحصیلی جاری را می‌توان به غذای جدید و ناشناخته‌ای تشبیه کرد که ناخواسته در سفره خانواده‌ها و مدرسه‌ها قرار گرفته است. با این نگاه، لازم است به شکل اضطراری مُصلِحاتی به سفره تحصیلی دانش‌آموزان و معلمان اضافه شوند تا از عوارض جانبی این غذای تازه بکاهند و بر فایده‌های آن بیفزایند. با تأمل در مبانی «تربیت رسانه‌ای» که ضمن شناخت عمیق مبانی و کارکردهای هر رسانه، بر اثرگذاری آن‌ها در هفت ساحت تربیتی مدنظر سند تحول بنیادین تأکید می‌کند، می‌توان به آموزگاران، معلمان و دبیران گرامی، توصیه‌هایی از این دست ارائه داد:

۱. توجه به برقراری ارتباط کامل از راه دور

هم‌مکانی جسم معلم و دانش‌آموز در کلاس حضوری، ناخودآگاه زمینه‌ساز برقراری ارتباط عمیق انسانی میان آن‌هاست. لذا معمولاً برقراری ارتباط و تعاملات عاطفی بین معلم و شاگرد در کلاس معمولی، به توجه و تمرکز خاصی نیاز

۳. تقویت دست‌ورزی و تجربه‌های عملی

منحصرشدن یادگیری دانش‌آموزان به مشاهده تصویر و شنیدن صدای معلم از راه دور، به تدریج ادراکات حسی آن‌ها را به بینایی و شنوایی منحصر می‌کند. محرومیت بچه‌ها از دست‌ورزی باید با تعریف فعالیت‌های ساده‌ای مثل درست کردن کاردستی‌های علمی و هنری جبران شود. اگر در کلاس‌های حضوری انجام آزمایش یا جمع‌آوری برگ‌ها و سنگ‌ها از طبیعت و مانند آن، تنها یک انتخاب بود، اکنون به یک الزام جدی برای تقویت تجربه‌های عملی دانش‌آموزان تبدیل شده است. حالا چاره‌ای نیست، مگر آنکه مصلحتی از قبیل بازدیدهای ایمن خانوادگی از مکان‌های تاریخی، انجام آزمایش‌های علمی در خانه یا ساختن وسیله با دورریزهای منزل، در برنامه کاری مدرسه‌ای بچه‌ها قرار بگیرد.



از آنجا که بی‌جسمی از خصلت‌های ذاتی دنیای مجازی است، در کلاس مجازی باید برای برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان، زمان کافی را در نظر گرفت

۴. تقویت خط و مهارت‌های نوشتاری

انجام تکالیف مجازی با کمک رایانه و تلفن همراه از طریق تایپ کردن با نوک یک یا دو انگشت، به تدریج به تضعیف عضلات کوچک دست و پایین آمدن قدرت کنترل خودکار و مداد در انگشتان منجر می‌شود. در نتیجه، بدخطی دانش‌آموزان که پیش از این هم پدیده‌ای آزاردهنده بود، امروز به هنجار و روالی مرسوم تبدیل شده است!

این وضعیت نیاز به مصلحتی دارد؛ از قبیل ترغیب بچه‌ها به انجام تکالیف به شکل دست‌نویس؛ تشویق خط خوش و تقبیح خط ناخوش. در دوره ابتدایی، فعالیت‌هایی از قبیل سفالگری و خمیربازی می‌تواند از ضعف عضلات انگشتان دست بکاهد. البته در نگاهی کلان‌تر، جای خالی کلاس و زمان و معلم خوش‌نویسی در تمامی دوره‌های تحصیلی احساس می‌شود.

۵. تقویت حافظه و مهارت‌های ذهنی

مطابق نظریه «اندام‌وارگی فناوری»، هر ابزار و فناوری جدید به‌نوعی امتداد یکی از اعضای بدن انسان است. چکش ادامه دست، خودرو ادامه پا و دوربین

ادامه چشم‌های انسان است. به همین

ترتیب، «فضای مجازی» و ابزارهای دیجیتال متصل به وب هم به امتداد مغز و حافظه



انسان تبدیل شده‌اند.

باید توجه داشت، ابزارها و فناوری‌ها، همان‌طور که قوای گوناگون انسانی را تقویت و ما را در انجام امور توانمندتر می‌کنند، در مواردی می‌توانند همان قوا را به‌نوعی تضعیف هم بکنند! مثلاً وابستگی انسان به جابه‌جایی با خودرو، توانمندی‌های طبیعی راه رفتن او را تضعیف می‌کند. آنچنان که **نیکلاس کار** در کتاب «اینترنت با مغز ما چه می‌کند؟» می‌گوید، وابستگی مغز ما به ابزارهای دیجیتال و جست‌وجوی گوگل هم حافظه‌های ما را تنبل می‌کند.

معلمان مجازی باید بدانند، وابسته‌شدن هرچه بیشتر دانش‌آموزان به اینترنت، هر چند فرصت‌های بی‌ظنری برای گسترده‌شدن دایرهٔ معلومات آنان ایجاد می‌کند، اما بر توانمندی‌های پایهٔ ذهنی‌شان، یعنی «به‌خاطر‌سپاری» و «به‌یادآوری» مفاهیم انتزاعی، اثر منفی دارد. لذا تعریف فعالیت‌های مفرح علمی که به استفاده از حافظه نیاز داشته باشد، به‌عنوان مصلح این شرایط پیشنهاد می‌شود. مسابقهٔ جدول ضرب و محاسبات ذهنی، حفظ شعر و مشاعره، بازی «کشور-پایتخت» و «شهر-استان» و بازی‌های دیگری که بچه‌ها را به حفظ کردن و به‌خاطر آوردن اطلاعات عمومی مفید و ضروری زندگی مجبور می‌کند، از جملهٔ این مصلحات است.

۶. توجه به ورزش و تحرک بدنی

شاید اولین و مشهودترین نتیجهٔ خانه‌نشینی اجباری کودکان و نوجوانان، کم‌تحرکی و محرومیت آن‌ها از ورزش‌های گروهی است. آموزش مجازی که یک‌جانشینی را به بچه‌ها تحمیل می‌کند هم مزید بر علت شده و دانش‌آموزان را از حداقل جابه‌جایی و فعالیت



بدنی معاف کرده است. عوارض ناشی از

کم‌تحرکی مثل چاقی و اضافه‌وزن از یک سو و فشار وارد بر چشم، گوش، دست و ستون فقرات در اثر نشستن نامناسب پشت رایانه و سایر دستگاه‌ها از سوی دیگر، سلامتی جسم دانش‌آموزان را تهدید می‌کند. در این شرایط، هر معلمی باید خودش را معلم سلامت و تن‌درستی بداند و در تمامی لحظات برگزاری کلاس مجازی، نسبت به شرایط فیزیکی حضور بچه‌ها در کلاس حساس باشد. تشویق دانش‌آموزان به انجام نرمش در ابتدا و انتهای کلاس، آموزش روش صحیح نشستن پشت رایانه و تأکید به رعایت آن در طول کلاس، وقفهٔ یک‌دقیقه‌ای منظم هر ۲۰ دقیقه یک‌بار در کلاس برای استراحت دادن به چشم، با خیره‌شدن به نقطه‌ای دور و پلک‌زدن و مواردی از این دست، می‌تواند به‌عنوان مصلحات آموزش مجازی در نظر گرفته شوند. صدالبته که در این شرایط خود آموزگاران و دبیران گرامی نیز بیش از پیش به تحرک بدنی و نرمش و ورزش نیازمندند.



فضای مجازی و ابزارهای دیجیتال متصل به وب، امتداد مغز و حافظه انسان است

۷. برنامه‌های عبادی جمعی

از جمله کارکردهای خوب مدرسه در گذشته‌های نه‌چندان دور، آموزش معارف و تمرین عملی مناسک دینی بوده است. هر چند که شاید همچنان بتوان آموزه‌های دینی را در کلاس مجازی منتقل کرد، اما در مدرسهٔ کرونایی، جای برنامه‌های عبادی گروهی مثل تلاوت صبحگاهی قرآن، نماز جماعت، برنامه‌های ویژهٔ اعیاد و وفات‌ها، و هیئت‌های عزاداری، که در تکوین هویت دینی کودکان و نوجوانان نقش مهمی دارد، خالی است. این در حالی است که مواجههٔ روزافزون بچه‌ها با محتواهای رسانه‌ای پالایش‌نشده و سرگرمی‌های مجازی رده‌بندی‌نشده، نیاز آن‌ها به تقویت روحیهٔ معنوی و ارتقای مراتب ایمانی را شدیدتر کرده است.

علاوه بر مدیران و معاونان پرورشی مدرسه که باید با ایده‌های نو به فکر احیای شعائر مذهبی در محیط مدرسهٔ مجازی باشند، هر دبیر و آموزگاری می‌تواند با اختصاص سهمی از زمان آموزش خود به خواندن دسته‌جمعی یک سورهٔ کوچک از قرآن کریم، یا دعایی متناسب با ایام، مصلحاتی آسمانی به حال و هوای روحی دانش‌آموزان بیفزاید. قرارهای دسته‌جمعی خواندن زیارت عاشورا یا ختم گروهی قرآن و هیئت‌های مجازی، از جمله مصلحات قابل تجویز در این روزهای سخت تعلیم و تربیت ایران هستند.

امید آنکه به مدد دعای دانش‌آموزان و معلمان عزیز، بلای کرونا هرچه زودتر از ایران و جهان رفع شود! آمین!

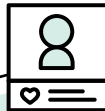
کاهش اثرات سوء فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی

زهرا حامدی نسب

آموزگار پایه اول ابتدایی، شهر بیرجند، استان خراسان جنوبی



استفاده از فرصت‌های رسانه‌ای، با بهره‌گیری از روش‌های نوین پیام‌رسانی و تبلیغ، توجه بیشتر به سلیقه‌های مخاطبان، به‌ویژه قشر جوان، در تهیه برنامه‌های صداوسیما و تولید سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی و پخش پیام‌های کوتاه صوتی و تصویری از رسانه ملی در راستای آگاه‌سازی عمومی مردم از خطرات استفاده ناآگاهانه از شبکه‌های اجتماعی



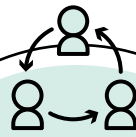
توجه به اطلاعات پروفایل‌های شخصی؛ قراردادن اطلاعات محرمانه شامل آدرس رایانامه، تاریخ تولد، شماره تلفن همراه، و آدرس منزل در آن. مهم است که تنها افراد مطمئن بتوانند به اطلاعات پروفایل شخصی دسترسی داشته باشند.



توسعه شبکه‌های اجتماعی مجازی بومی و سالم، و ایجاد بسترهای فناوری اطلاعات برای نشر دانش و اطلاعات و توسعه پایگاه‌های اطلاعاتی ایرانی و بهبود کمی و کیفی پایگاه‌های موجود به منظور استغنای استفاده‌کنندگان از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی (خواجه نژادیان، ۱۳۹۱).



گسترش هر چه بیشتر مکان‌های تفریحی و ورزشی برای گذراندن اوقات فراغت جوانان و ترغیب جوانان به انجام فعالیت‌های فیزیکی و دور شدن از فضاهای مجازی (قاسمی، عدلی پور و کیانپور، ۱۳۹۱: ۶-۳۵).



جایگزین نکردن دوستان واقعی با دوستان مجازی؛ دوستان مجازی هرگز نمی‌توانند جای دوستان واقعی را بگیرند. هر فردی برای تعاملات اجتماعی به دوستان واقعی نیاز دارد و به کمک این تعاملات می‌تواند اضطراب و استرس خود را کاهش دهند.



طراحی برنامه‌هایی برای ارتقای فرهنگی، مانند نشر کتاب‌هایی در زمینه نحوه استفاده مفید و درست از اینترنت و فضای مجازی و گنجاندن آن در محتوای درسی مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها. همچنین، برگزاری نشست‌های علمی با حضور استادان و دانشجویان در رابطه با تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر جنبه‌های گوناگون زندگی



استفاده کردن یا استفاده نکردن از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی تصمیمی فردی است. در این میان، راهکارهایی وجود دارند که کمک می‌کنند از آسیب‌های فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی دور بمانیم. برخی از این راهکارها باید توسط نهادهای تصمیم‌گیرنده و مجری در کشور انجام شوند و برخی را نیز خود فرد می‌تواند اجرا کند.



* منابع

۱. خواجه نژادیان، علی (۱۳۹۱). «تبیین نقش فیس‌بوک در زندگی زناشویی اعضای متأهل ایرانی خود». مجموعه مقالات نخستین کنگره ملی فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نوپدید.
۲. قاسمی، وحید؛ عدلی پور، صمد؛ کیانپور، مسعود (۱۳۹۱) «تعامل در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تأثیر آن بر هویت دینی جوانان؛ مطالعه موردی فیس‌بوک و جوانان شهر اصفهان». دین و ارتباطات. سال نوزدهم. شماره ۴۲. ۳۵-۶.
3. Das, B., & Sahoo, J. S. (2011). Social Networking Sites – A Critical Analysis of Its Impact on Personal and Social Life, International Journal of Business and Social Science, 2 (14). 222-228.



فضای مجازی، شمشیر دولبه



واکوی تهدیدهای آموزش در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی

صادق حامدی نسب



آموزگار پایه چهارم ابتدایی شهر بیرجند، استان خراسان جنوبی

را بر مهارت‌های یادگیری در قرن بیست و یکم مسلط می‌کند. علاوه بر این، استفاده از شبکه‌های اجتماعی به تقویت یادگیری غیررسمی معلمان، تأثیر مثبت بر اقدامات کلاس درس، بهبود انگیزه یادگیرندگان و تقویت عزت‌نفس و خودکارآمدی منجر و باعث می‌شود یادگیرندگان از دانش‌شان بهره بیشتری ببرند. این طریق به توسعه حرفه‌ای مداوم معلمان نیز کمک می‌کند. با وجود فرصت‌های زیادی که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برای یادگیری معلمان و دانش‌آموزان ایجاد می‌کند، استفاده از این زیست‌بوم با چالش‌هایی روبه‌روست. از جمله این چالش‌ها می‌توان به این موضوع اشاره کرد که معلمان هنگام استفاده از شبکه‌ها، ارتباط بین فعالیت‌های برخط خودشان و یادگیری در کلاس درس را درک نمی‌کنند و هنوز این سؤال بی‌پاسخ وجود دارد که: «آیا از شبکه‌های اجتماعی می‌توان برای یادگیری غیررسمی استفاده کرد؟» همچنین، مدیران جنبه‌های الکترونیکی شبکه‌های اجتماعی، به عملکردهای آموزشی شبکه‌ها کمتر اهمیت می‌دهند. به‌طور کلی استفاده بهینه از شبکه‌های اجتماعی به برنامه‌ریزی قبلی، حفظ حریم خصوصی و رفع محدودیت فنی شبکه‌های اجتماعی منوط

پدیده اینترنت و فضای مجازی یک شمشیر دو لبه است؛ یعنی هم «فرصت» است و هم «تهدید»، هم «سازنده» است و هم «تخریب‌کننده»، هم «توسعه‌دهنده» ذهن است و هم «اسیرکننده» آن. شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی از مصداق‌های بارز پدیده اجتماع‌آفرین اینترنت است. البته فضای حاکم بر شبکه جهانی اینترنت همواره دستخوش تغییرات زیادی است، به طوری که به واسطه پدید آمدن نیازهای جدید و تلاش برای پاسخ‌گویی به آن نیازها، روز به روز بر تعداد و تنوع رسانه‌های اجتماعی افزوده می‌شود. بنابراین، مفید یا مضر بودن آن، به ظرفیت فکری افراد و قابلیت تصمیم‌گیری و مدیریتی کسانی بستگی دارد که اطلاعات دریافتی را سازمان‌دهی و پردازش می‌کنند (شرودر، ۱۳۸۳).

فضای مجازی و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی در یادگیری یادگیرندگان نقش مثبتی دارند. فعالیت در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، از طریق به اشتراک‌گذاری دانش، به ایجاد شبکه‌های تعامل پویای یادگیرندگان منجر می‌شود. همچنین، استفاده از فضای مجازی در خارج از مدرسه، یادگیرندگان را به توصیف و بررسی ابعاد متفاوت هویتشان قادر می‌سازد و آن‌ها

است (Lin, Hoffman & Borengasser, 2013).

تهدیدهای آموزش در فضای مجازی به‌طور کلی شامل آسیب‌های روانی، آسیب‌های جسمانی، مشکلات آموزشی، مشکلات عمومی، مشکلات فنی و پیامدهای منفی است که هر کدام از این مقوله‌ها ابعادی فرعی هم دارند. در نمودار تهدیدهای آموزش در فضای مجازی، این مقوله‌های اصلی و فرعی نشان داده شده‌اند. برای مثال، مشکلات آموزشی ناشی از استفاده از فضای مجازی در فرایند یاددهی و یادگیری عبارت‌اند: کاربردی نبودن مواد و محتوا؛ نداشتن جذابیت؛ نبود محتوا؛ دشواری بودن محتوای به اشتراک گذاشته شده؛ تناسب نداشتن محتوای اشتراکی در فضای مجازی با سطح رشد عاطفی و شناختی دانش‌آموزان.

همان‌طور که بیان شد، استفاده از فضای مجازی در فرایند یاددهی و یادگیری، تهدیدها و آسیب‌هایی را در پی دارد. با توجه به گسترش استفاده از فضای مجازی و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی در آموزش، ناگزیر باید با انجام راهکارهایی معقول،

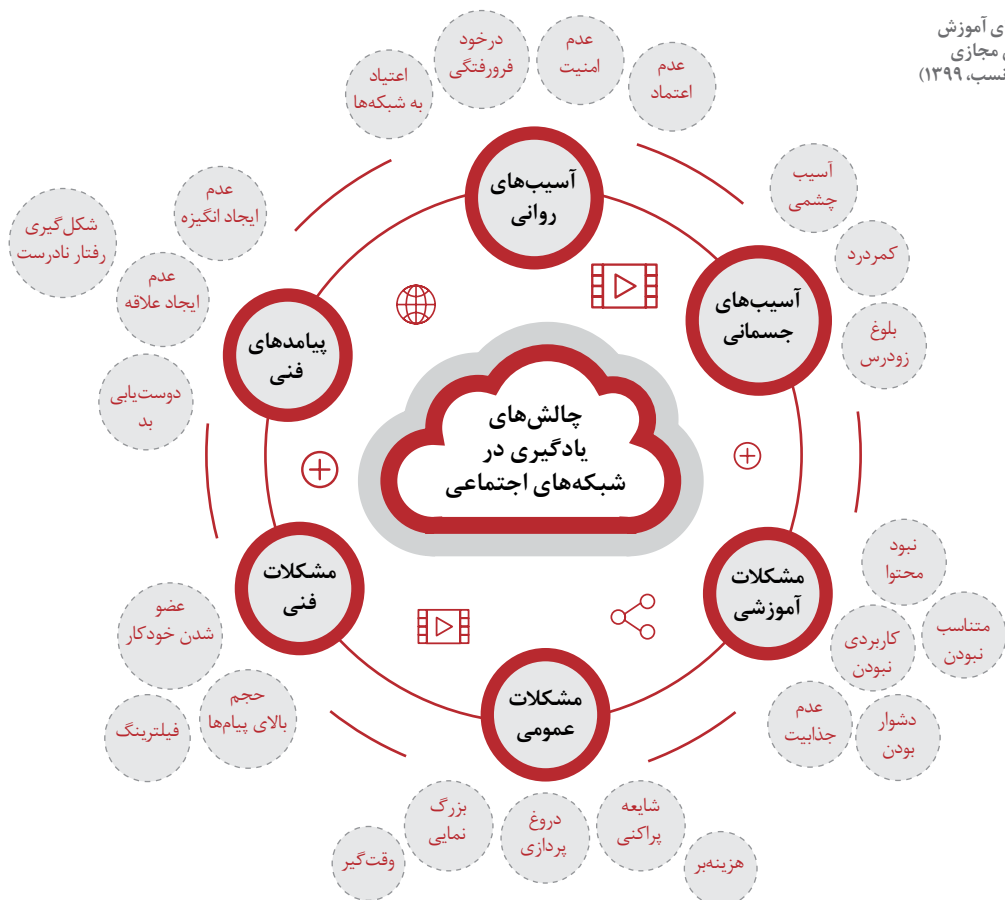
چالش‌ها و آسیب‌های آن را به فرصت تبدیل کرد و از آموزش مجازی به‌صورت هدفمند در راستای تحقق اهداف فرایند یاددهی و یادگیری برای دانش‌آموزان بهره گرفت.

*** منابع**

۱. شرودر، کیت ای. (۱۳۸۳). کلیدهای همراهی و مراقبت از نوجوانان در اینترنت. ترجمه فرناز فرود. نشر صابرین. تهران.
۲. حامدی‌نسب، صادق (۱۳۹۹). «بررسی تجارب زیستهٔ معلمان از چالش‌های یادگیری در شبکه‌های اجتماعی مجازی: یک مطالعهٔ پدیدارشناسانه». مجموعه مقالات همایش ملی چالش‌های یادگیری الکترونیکی در آموزش عالی. دانشگاه بوعلی سینا.
3. Rehm, M., & Notten, A. (2016). Twitter as an informal learning space for teachers!? The role of social capital in Twitter conversations among teachers. *Teaching and Teacher Education*, 60, 215-223. Doi: 10.1016/j.tate.2016.08.015
4. Lin, M. F. G., Hoffman, E. S., & Borengasser, C. (2013). Is social media too social for class? A case study of Twitter use. *Tech Trends*, 57(2), 39-45. Doi: 10.1007/s11528-013-0644-2

فضای مجازی و به ویژه شبکه‌های اجتماعی در یادگیری نقش مثبتی دارند

تهدیدهای آموزش در فضای مجازی (حامدی‌نسب، ۱۳۹۹)





همگام با عصر جدید

نگاهی به صلاحیت‌ها و شایستگی‌های مورد نیاز معلم و متعلم

امیر مرادی



سرگروه مشاوره استان کرمانشاه و مدرس دانشگاه فرهنگیان

مقدمه

برای کل دانش‌آموزان هر چهار دوره تحصیلی شروع شد و در بسترهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری لازم برای فراگیری تدریس مجازی در سرتاسر کشور استمرار و توسعه یافت. اما نکته‌ای که در این میان مورد غفلت و کم‌توجهی همگان قرار گرفت، صلاحیت‌ها و شایستگی‌های مورد نیاز معلمان و متعلمان برای حضور، فعالیت و تعامل در محیط یادگیری مجازی بود، چرا که اکثر معلمان و متعلمان، بدون کسب هیچ آموزش یا گذراندن دوره تخصصی، به حضور در محیط‌های یادگیری مجازی مجبور شدند. هدف این نوشتار بررسی صلاحیت‌ها و شایستگی‌های مورد نیاز معلمان و متعلمان در زیست‌بوم جدید آموزش و پرورش است.

با جهانی شدن شیوع کرونا، آموزش و پرورش همانند سایر نهادها دچار شوکی ناگهانی و باور نکردنی شد. به ناگاه بیش از یک‌ونیم میلیارد دانش‌آموز در جهان از تحصیل بازماندند و بیشتر کشورها به فکر راه‌های جایگزین ارائه و ادامه آموزش افتادند. به همین دلیل، نهاد آموزش و پرورش تمامی کشورهای جهان مجبور به تغییر زیست‌بوم خود از رایج (حضور) و چهره به چهره، به دیجیتال (غیرحضور) و مجازی و کوچ اجباری شدند.

در ایران نیز با شیوع ویروس کرونا و اتخاذ تصمیم آموزش مجازی دانش‌آموزان، به سرعت آموزش از طریق سامانه شاد

صلاحت‌ها و شایستگی‌های مورد نیاز زیست‌بوم جدید

بررسی‌های صورت گرفته توسط یونسکو (خلاصه گزارش سال ۲۰۲۰) در دوران تعطیلی اجباری مدرسه‌ها نشان می‌دهد حدود پنجاه درصد از یادگیرندگان به دستگاه‌های رایانه‌ای و ۴۳ درصد از آن‌ها نیز به اینترنت دسترسی ندارند و موضوع شکاف دیجیتال نه تنها در کشورهای در حال توسعه، بلکه در کشورهای پیشرفته هم وجود دارد. بر اساس شواهد جمع‌آوری شده در طول همه‌گیری کرونا، اکثر معلمان (۶۶ درصد) برای اولین بار از تدریس مجازی استفاده کرده‌اند و بسیاری از آن‌ها در دسترسی به فناوری مشکل داشته‌اند و فاقد صلاحیت‌ها و شایستگی‌های مورد نیاز بوده‌اند. همان‌طور که موری (۲۰۰۱) اشاره کرده است، محیط آموزش مجازی با محیط آموزش واقعی و چهره به چهره متفاوت است. لذا صلاحیت‌ها و راهبردهای یادگیری و آموزش آن‌ها نیز با یکدیگر متفاوت هستند. در نتیجه، یکی از تغییرهای رخ داده در زیست‌بوم جدید آموزش و پرورش، نسبت به زیست‌بوم قبلی آن، ضرورت شناسایی و پرورش مهارت‌ها و شایستگی‌های اختصاصی مورد نیاز این نوع از آموزش در کاربران است تا بتوانند از فناوری آموزش مجازی به نحو احسن بهره‌گیرند، به یادگیری بپردازند و در آن موفقیت کسب کنند. برخی از این مهارت‌ها و شایستگی‌ها عبارتند از:

- مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گو بودن برای درگیری بالا در یادگیری خود.
- انتظار عملکرد فعال داشتن از یادگیرندگان (و پرورش آن توسط معلمان).
- یادگیری خودتنظیمی.
- تعامل در ارتباط منظم و مؤثر.
- یادگیری مشارکتی (پرورش یافتن با عمل تدریس).
- مهارت‌های اطلاعاتی: جست‌وجو، انتخاب، تجزیه و تحلیل، تولید و انتشار اطلاعات و دانش (گونزالز و واگنار، ۲۰۰۳).
- از طرف دیگر، **بورجس (۲۰۰۸)** و **بیرچ (۲۰۰۱)** بر این باورند که نقش و مسئولیت یادگیرندگان و معلمان در زیست‌بوم جدید متفاوت و فراتر از نقش و مسئولیت‌های هم‌تایان آن‌ها در آموزش‌های قدیمی است. لذا مهم‌ترین شایستگی‌های مورد نیاز کاربران محیط آموزش مجازی را شامل این موارد می‌دانند:
- ۱. عملیاتی:** شایستگی عملیاتی به معنی استفاده بهینه از ابزارهای فاوا برای آموزش و یادگیری، برقراری ارتباط، همکاری و خودراهبری است. به نظر می‌رسد، با توجه به سیستمی بودن،

غیرحضور بودن و انعطاف‌پذیری آموزش‌های مجازی، هدف از کسب شایستگی عملیاتی، رشد و تقویت مسئولیت‌پذیری کاربران و پاسخ‌گودن آن‌ها در قبال یادگیری و تکالیف خود است. مهارت‌های اصلی این شایستگی که کاربران باید کسب کنند، عبارت‌اند از: داشتن تخصص کافی در استفاده از ابزارهای فاوا^۱ برای برقراری ارتباط و همکاری با دیگران؛ کسب تخصص کافی در استفاده از ابزارهای فاوا برای جست‌وجو، بازیابی، تجزیه و تحلیل و انتشار اطلاعات و داده‌ها؛ آگاهی از چگونگی استفاده از ابزار، امکانات و جهت‌یابی در کل محیط آموزش‌های مجازی. در مورد جایگاه این شایستگی در زیست‌بوم می‌توان گفت، با توجه به غیرحضور بودن، مستقل و فعال بودن کاربران در آموزش‌های مجازی، و همچنین محور بودن آن‌ها در فرایند یاددهی - یادگیری، شایستگی عملیاتی در صدد است مقدمات مستقل شدن یادگیری کاربران را از طریق آموزش نحوه استفاده از رایانه، اینترنت، کانال‌های ارتباطی و فناوری‌های نوین در محیط آموزش‌های مجازی فراهم کند تا کاربران بتوانند با معلمان، مدیران و هم‌کلاسی‌هایشان ارتباط و تعامل برقرار کنند، منابع و محتوای الکترونیکی دوره را خود به صورت مجازی دریافت و در آزمون‌ها و ارزیابی‌های میان‌دوره و پایان دوره شرکت کنند.

۲. شناختی: شایستگی شناختی به معنی یادگیری کارآمد از محتوای درس، استفاده از دانش و اطلاعات خود و درخواست کمک در صورت لزوم است. مهارت‌های اصلی شایستگی شناختی عبارت‌اند از دانستن اینکه: چگونه به اطلاعات دوره (طرح، محتوا، برنامه و راهنمای مطالعاتی دوره) دسترسی داشته باشید؛ چگونه به محتوای مواد دوره دسترسی یابید و آن را دریافت کنید؛ دیگر منابع دوره در کجا قرار دارند و چگونه آن‌ها را بازیابی و از آن‌ها استفاده کنید؛ چگونه به پشتیبان دوره دسترسی یابید و در صورت لزوم چگونه از او درخواست کمک کنید؛ چگونه در یادگیری در یک راه انعکاسی و با تفکر انتقادی مهارت کسب کنید، چگونه در استفاده از دانش خود و یا جست‌وجوی راه‌هایی برای به‌کارگیری دانش خود و برقراری ارتباط منظم با محیط یادگیری مجازی توانمند شوید.

در مورد جایگاه شایستگی شناختی آموزش‌های مجازی نیز می‌توان گفت، کسب این شایستگی و مهارت باعث افزایش دانش و آگاهی کاربران در مورد محیط یادگیری آنلاین، چگونگی ورود، شرکت در کلاس، بحث و تعامل و انجام تکالیف و خروج از آن است.

۳. همکاری: شایستگی همکاری به معنی ارتباط مؤثر و همکاری با هم‌کلاسی‌ها و مدرس در محیط یادگیری مجازی است. مهارت‌های اصلی این شایستگی عبارت‌اند از: تمایل به



در شایستگی خودراهبری، مهارت‌های خودمختاری، خودتکلیفی و استقلال کاربران رشد و ارتقاء می‌یابد

تحمل عقاید دیگران و تساهل در برابر آنان؛ انتخاب روش‌هایی برای بیان خود و کار خویش.

در مورد جایگاه شایستگی همکاری آموزش‌های مجازی می‌توان گفت، در شایستگی خودراهبری، مهارت‌های خودمختاری، خودتکلیفی و استقلال کاربران رشد و ارتقا می‌یابد و با تنظیم حجم و سرعت آموزش و یادگیری با توجه به سطح علمی و میزان اوقات اختصاص یافته کاربران، مهارت مسئولیت‌پذیری می‌تواند در آن‌ها پرورش یابد.

نتیجه‌گیری

زیست‌بوم جدید آموزش و پرورش نسبت به زیست‌بوم قبلی و قدیمی، امکانات، قابلیت‌ها و تجهیزات نوین و نوظهوری دارد که بهره‌گیری از آن‌ها در فرایند یاددهی-یادگیری نیازمند کسب آموزش‌ها و مهارت‌های جدیدی است. کسب صلاحیت‌ها و شایستگی‌های عملیاتی، شناختی، همکاری و خودراهبری توسط کاربران زیست‌بوم جدید، و درونی‌کردن آن‌ها، به بهره‌گیری حداکثری از امکانات و قابلیت‌های زیست‌بوم جدید، افزایش انگیزه و شوق آموزش و یادگیری، پذیرش مسئولیت و پاسخ‌گویی در قبال مسئولیت، شرکت فعال در گفت‌وگوها و مباحثه‌ها، و پرورش مسئولیت‌پذیری در کاربران می‌انجامد.

* پی‌نوشت

۱. فاوا مخفف اصطلاح «فناوری اطلاعات و ارتباطات» است.

* منابع

1. Birch, D. (2001). "E-Learner Competencies". Downloaded 06.05.05. Available at: http://www.brightways.net/Articles/wp01_elc.pdf.
2. Borges Sáiz, Federico (2008). "The Role of the online learner: onsite students becoming online learners". Available at: <http://m.dugi-doc.udg.edu:8080/handle/10256/994>.
3. González, J. & Wagenaar, R. (Ed.) (2003). Tuning Educational Structures in Europe. Informe Final. Fase 1. Bilbao: Universidad de Deusto.
4. Neubauer, D. (2000). Will the future include us? Reflections of a practitioner of higher education in s. inayatullah & J. cidley (eds). The university in transformation Global perspective on the future of the university westport, connecticut, London: Bergin Garvey.
5. The Futures of Education after COVID-19 (Regional Dialogue Synthesis Report UNESCO Beirut).



برقراری ارتباط، بیان ایده‌ها، نظرات و احساسات شخصی و نوشتن کارآمد برای درک مطلب و ارتباط؛ توانایی تعامل با هم‌کلاسی‌ها در یادگیری یا در کار گروهی، شرکت در بحث کلاسی و فعالیت‌های کلاس؛ آمادگی مذاکره معنادار و تلاش برای رسیدن به اجماع یا توافق؛ آمادگی دریافت بازخورد و آموختن از آن؛ آمادگی دادن بازخورد به منظور یادگیری؛ آگاهی از کلاس درس یا محیط یادگیری مجازی به‌عنوان اجتماعی از یادگیرندگان.

در مورد جایگاه شایستگی همکاری می‌توان گفت، پرورش مسئولیت‌پذیری و قبول مسئولیت مستلزم همکاری با دیگران است و این همکاری و مشارکت زمانی موفقیت‌آمیز خواهد بود که در آن احترام به دیگران، عقاید و نظرات آن‌ها، بدون توجه به تفاوت‌های نژادی، زبانی و فرهنگی، وجود داشته باشد. لذا شایستگی همکاری این شرایط را برای کاربران فراهم کرده است. نیوبائور (۲۰۰۰) بر این موضوع تأکید دارد که با ظهور نظریه‌های یادگیری تعاملی، مشارکتی و فعال، و همچنین تأکید بر بُعد اجتماعی آموزش به جای بُعد شناختی آن، انقلابی در روش‌های آموزش و پرورش به وجود آمده است.

۴. شایستگی خودراهبری: شایستگی خودراهبری به معنی خودمدیریتی کارآمد، خود نظارتی و خودارزیابی در هنگام یادگیری مجازی و یکی از مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری است. مهارت و ویژگی‌های شخص خودراهبر برای یادگیری مجازی شامل این موارد می‌شود: آمادگی در توجه به ایده‌ها و انتقادات هم‌کلاسی‌ها و معلمان؛ آمادگی برای یادگیری از همکاران و هم‌کلاسی‌ها؛ آمادگی برای یادگیری از اشتباهات دیگران؛ مسئولیت‌پذیری برای یادگیری خود که به معنی مستقل بودن و فعال بودن به جای واکنش‌پذیر بودن است؛ ابتکارداشتن در کار خود، بدون تقلب یا استفاده از کار شخص دیگر؛ انعطاف‌داشتن در برابر شکست، ناامیدی و نبود قطعیت؛



یکی از تغییرهای رخ داده در زیست‌بوم جدید آموزش و پرورش، ضرورت و شناسایی و پرورش مهارت‌ها و شایستگی‌های اختصاصی مورد نیاز این نوع کاربران است

مدرسه‌های غیر دولتی در پسا کرونا

امیر عسگری



مدیرعامل بنیاد توسعه علم و فناوری خوارزمی

مقدمه

ظهور فناوری‌ها و نوآوری‌های نوین همواره تحولات بسیاری در ارکان زندگی بشر ایجاد کرده است. توسعه فناوری‌های جدید معمولاً با دو نگاه صورت می‌پذیرد: نخستین نگاه که از آن به‌عنوان «نگاه گذشته‌نگر» یاد می‌شود، می‌کوشد برای چالش‌ها و مسائلی که تاکنون رخ داده‌اند، راه‌حلی نوآورانه ارائه دهد. دومین نگاه اما رویکردی «آتی‌نگر» دارد. در این چارچوب، توسعه فناوری در قالب نظامی نوآورانه در قاموس چهارم علم و بنا بر اصل پیشگیری و پیش‌بینی رخ می‌دهد.

با چنین مقدمه‌ای، لزوم پرداختن به فناوری‌ها و نوآوری‌های نو ظهور بر کسی پوشیده نیست. لذا نوآوری می‌تواند هم برای چالش‌ها و مسائل موجود راه‌حل ارائه دهد، هم به بهیمنگی تصمیمات و شرایط فعلی منجر شود و هم از طریق ایجاد نگرشی چندبعدی، آسیب ناشی از رخداد‌های پیش‌بینی‌شده یا پیش‌بینی‌نشده را به حداقل ممکن کاهش دهد.

در این بافتار معنایی، مدرسه‌ها و به‌خصوص مدرسه‌های غیردولتی از نهادهایی بودند که آسیب بسیار زیادی را در زمان همه‌گیری جهانی کرونا متحمل شدند. آسیب‌شناسی ضررهای تحمیل‌شده به ساختار مدرسه‌ها، هرچند که از موضوع‌های بسیار مهم و اساسی در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و به‌صورت کلان سیاست‌گذاری حاکم بر نظام آموزشی قلمداد می‌شود، ولی در این نگاشته، به دلیل محدودیت تعداد کلمات قابل بحث نیست. لذا در این یادداشت، به بیان سناریوهای مدیریتی آتی‌نگرانه با تأکید بر مدرسه‌های غیردولتی در دوران پسا کرونا می‌پردازیم.

آسیب‌شناسی مدرسه‌های غیردولتی در مواجهه با کرونا

بررسی و رصد گزارش‌های نگاشته‌شده در موضوع آسیب‌شناسی ساختار مدرسه‌های غیردولتی و نحوه واکنش آنان در مواجهه با کرونا نشان می‌دهد، عمده آسیب‌های ایجادشده، معمولاً در مدرسه‌هایی به وقوع پیوستند که در سه لایه حکمرانی، برنامه‌ریزی و همچنین اجرا، از مشخصه‌هایی همچون جایگزین‌پذیری، استقرار نظام فناوری، چابکی، ارتباطات، تاب‌آوری و در نهایت بازسازمان‌دهی برخوردار نبوده‌اند.

صفت‌های بیان‌شده برای هر یک از سه لایه فوق، چارچوب معنایی و کارکردی خاصی دارند. در لایه حکمرانی، توانایی‌های هیئت‌مدیره مدرسه و به‌خصوص شخص مدیر در مواجهه با بحران نقشی اساسی ایفا می‌کند. در لایه برنامه‌ریزی، توانایی‌هایی همچون ابزارسازی و ابزاربایی مشخصه‌های کلیدی محسوب می‌شوند و در تدوین برنامه‌های آموزشی مناسب مدرسه‌ها کاربردی ویژه می‌یابند. در لایه‌های اجرایی نیز مواردی همچون کارایی و اثربخشی ابزارها و روش‌های مداخله مناسب در فرایند آموزش دانش‌آموزان، بیش از هر چیزی مورد تأکید پژوهشگران قرار گرفته‌اند.

در این راستا، تحلیل موارد گفته‌شده در جامعه مدرسه‌های غیردولتی با نگاهی آتی‌نگر در دوران کرونا می‌تواند سندی در راستای تدوین ساختارها و برنامه‌های مدرسه‌ها در دوران پسا کرونا محسوب شود. از طرف دیگر، در همین دوره اتفاقاتی رخ داد که تأثیرگذاری آنان را در شرایط آموزشی مدرسه‌ها،

را تسهیل می‌بخشند، اما استفاده از آن‌ها نباید فرایند عادی مدرسه‌ها را با مشکل مواجه کند. لذا سیاست‌گذاری‌های مناسب در این خصوص می‌تواند تا حد بسیار زیادی چالش‌های موجود را حل کند و برای چالش‌های آتی نیز راه‌حل‌های مناسب پیش‌بینی کند.

چابکی

مفهوم چابکی در تحلیل آسیب‌شناسی مدرسه‌ها در دوران کرونا، دو ویژگی مهم سرعت عمل و اثربخشی تصمیمات را برجسته می‌کند. سرعت عمل به‌عنوان یک موضوع شناختی که قابلیت آموزش نیز دارد، به مدیران مدرسه‌ها کمک می‌کند در کوتاه‌ترین زمان ممکن برای چالش‌های موجود راهکاری مناسب ارائه دهند. در کنار آن، اثربخشی به بهینگی تصمیمات و تناسب بین چالش و راه‌حل در ابعاد زمانی، مکانی، هزینه‌ای و انسانی اشاره می‌کند.

ارتباطات

ارتباطات و شبکه‌سازی نیز از ارکان اصلی حکمرانی و ابزاری در دوران پساکرونا محسوب می‌شوند. بررسی تجربیات آموخته‌شده در دوران کرونا نشان می‌دهد که ارتباطات و شبکه‌سازی‌های انجام‌شده در دوران پیش از کرونا تا حد زیادی توانست عناصر و منابع مفقوده در دوران کرونا را جبران کند.

حتی در دوره پس از کرونا، نمی‌توان نادیده گرفت. در این دوره دانش‌آموزان با مفاهیم آموزش مجازی و یادگیری از راه دور به‌صورت عملی آشنا و ساختارهای آموزشی مدرسه‌ها تا حد بسیار زیادی با این موارد درگیر شدند. سیاست‌گذاری‌های آموزشی در مدرسه‌های غیردولتی که معمولاً دانش‌آموزان آن‌ها از دسترسی مناسبی به ابزارهای فناوری اطلاعات در دوران کرونا برخوردار بودند، باید به نحوی صورت گیرد که این جداسدگی فناورانه از آموزش از راه دور و سپس رجوع به آموزش مستقیم و حضوری به‌صورت بسیار نرم و با در نظر گرفتن ابعاد روان‌شناختی دانش‌آموزان لحاظ شود.

از طرف دیگر، درس‌های آموخته‌شده در دوران کرونا در جامعه مدرسه‌های غیردولتی در لایه‌های فوق و ویژگی‌های بیان‌شده باید در تمامی ارکان سازمانی و رفتاری مدرسه‌ها در دوران پساکرونا مورد توجه قرار گیرند. در این راستا، این موارد به‌عنوان ارکان اصلی ایجاد مدل‌های ساختاری و رفتاری برای مدرسه‌های غیردولتی در دوران پساکرونا مشخص شدند که لازم است در تدوین سیاست‌های آتی این مدرسه‌ها دیده شوند.

جایگزین‌پذیری

جایگزین‌پذیری به این موضوع می‌پردازد که برای هر کدام از سیاست‌ها و همچنین اقدامات و افراد، جایگزین‌های متفاوتی پیش‌بینی شود. لذا اعمال این اصل در تمامی ماهیت‌های موجود در مدرسه‌ها می‌تواند آسیب‌های ناشی از نبود یک عنصر را تا حد ممکن کاهش دهد. لازم به ذکر است، برنامه‌ریزی‌های این موارد معمولاً باید پیش از بروز بحران و در برنامه‌های جاری مدرسه‌ها شکل گیرد.

استقرار نظام فناوری

استقرار نظام فناوری نیز به‌عنوان یکی از ارکان اصلی ساختاری و رفتاری مدرسه‌ها شناخته می‌شود. بسیاری از متخصصان این رکن را اصلی‌ترین رکن پهنه‌سازی عملکرد مدرسه‌ها می‌دانند. نظام فناوری معمولاً از دو بعد برخوردار است: بعد اول که نبود آن بیش از بعد دوم در مدرسه‌ها ارزیابی شده است، به بلوغ علمی، عملیاتی و فکری، توانمندی‌ها، سواد، تجربه، شخصی‌سازی، بهینه‌سازی و شبکه‌سازی، و به بیان ساده، درک و فهم استفاده عملیاتی از ابزارهای فناورانه در مدرسه‌ها اشاره می‌کند. این بعد ناظر بر آن است که فناوری تا چه میزان و در چه عمقی در سازمان مدرسه‌ها استقرار یافته است.

بعد دوم به موضوع سخت‌افزار و استفاده از ابزارهای فناورانه در ساختار مدرسه‌ها اشاره می‌کند. تجربیات پیشین نشان می‌دهند، ابزارهای فناورانه تا حدود زیادی فرایندهای اجرایی مدرسه‌ها

در رویکرد آتی نگر، توسعه فناوری بنا بر اصل پیشگیری و پیش‌بینی رخ می‌دهد



لذا مقدمات موردنیاز و مهم ایجاد ارتباطات و شبکه‌سازی در مدرسه‌ها در دوران پساکرونا باید به‌نحوی مطلوب توسط مدیران و سیاست‌گذاران حاکم فراهم شود.

تاب‌آوری

تاب‌آوری به‌عنوان مفهومی ذهنی و همچنین ابزاری، توانایی تطبیق‌پذیری و پایداری در شرایط بحران را بیان می‌دارد. بررسی آسیب‌شناسانهٔ مدرسه‌ها در دوران کرونا نشان داد مدرسه‌هایی که مدیران، معلمان، دانش‌آموزان و به بیانی کلی، تمامی ارکان اصلی زیست‌بوم مدرسه‌ها از سطح تاب‌آوری بالاتری برخوردار بودند، آسیب کمتری را متحمل شدند و توانستند شرایط را به نحوی مطلوب و در بعضی موارد حتی مطلوب‌تر از شرایط عادی تغییر دهند. شاخص‌های تاب‌آوری و افزایش آن‌ها می‌تواند به‌عنوان یکی از راهکارهای اصلی مدیریت مدرسه‌ها در دوران پساکرونا مورد تأکید قرار گیرد.

بازسازمان‌دهی

بازسازمان‌دهی به این موضوع می‌پردازد که مدرسه‌ها تا چه میزان توانستند شرایط را به دوران پیش از کرونا احیا کنند. فرایند بازسازمان‌دهی در مدرسه‌ها در دوران کرونا شروع شد و برخی از مدرسه‌ها توانستند با تغییر بعضی شاخص‌ها خود را با شرایط فعلی منطبق کنند. در این چارچوب، تطبیق‌پذیری

در فرایند بازسازمان‌دهی به‌عنوان مهارتی کلیدی در تمامی ارکان زیست‌بوم مدرسه‌ها، توجه زیادی را به خود معطوف داشت. این مفهوم نه تنها ساختار مدرسه‌ها را در شرایط بحران حفظ می‌کند، بلکه می‌تواند به‌عنوان مهارتی کلیدی در بسیاری از مراحل زندگی افراد ساکن در این زیست‌بوم موردتوجه قرار گیرد. لذا بازسازمان‌دهی و توانایی طراحی مجدد به‌عنوان اصلی اساسی شناخته شده است و می‌توان آن را در ساختارهای رفتاری و سازمانی مدرسه‌ها در دوران پساکرونا به نحوی مطلوب استقرار داد.

جمع‌بندی

تحلیل موارد گفته‌شده منطبق بر گزارش‌های آسیب‌شناسانهٔ مدرسه‌ها در دوران کرونا نشان می‌دهد، بازنگری‌هایی در سه لایهٔ یادشده و در ابعاد ویژگی‌های بیان‌شده در این یادداشت، می‌تواند در بیان کلی به تقویت بنیان‌های مدرسه‌ها، به‌خصوص جامعهٔ پژوهشی این یادداشت، با تأکید بر مدرسه‌های غیردولتی در دوران پساکرونا، بینجامد. در این راستا پیشنهاد می‌شود، موارد فوق با نگاهی انتقادی در ساختار و رفتار مدرسه‌ها بررسی شوند و در صورت لزوم اقدامات ایجاد یا اصلاحی موردنیاز صورت پذیرند.

* منابع

1. Coronavirus disease (COVID-19): Schools, WHO retrieved from WHO website.
2. Global reports and national reports on: Beyond reopening schools: How education can emerge stronger than before COVID-19.
3. Beyond reopening schools: A practical vision for a stronger education after COVID-19 GBE.
4. Reopening schools after COVID-19 closures: webinars by UNESCO, UNICEF and the World Bank: retrieved from UNESCO website.
5. Haug, N. et al. Ranking the effectiveness of worldwide COVID-19 government interventions. Nat. Hum. Behav. 4, 1303–1312 (2020).
6. European Centre for Disease Prevention and Control. COVID-19 in Children and the Role of School Settings in Transmission-First Update. https://www.ecdc.europa.eu/sites/default/files/documents/COVID-19-in-children-and-the-role-of-school-settings-in-transmission-first-update_0.pdf (2020).
7. Di Domenico, L., Pullano, G., Sabbatini, C.E. et al. Modelling safe protocols for reopening schools during the COVID-19 pandemic in France. Nat Commun 12, 1073 (2021).



استقرار
نظام فناوری
اصلی‌ترین رکن
بهینه‌سازی
عملکرد مدرسه‌ها
است





دغدغه‌مندان تازه‌کار

والدین و آموزش مجازی

لیلا سلیقه‌دار



مشاور و مدرس کشوری آموزش خانواده و معلمان

مقدمه

زمانی نه چندان دور، والدین در خصوص اینکه چه موقعی تلفن همراه شخصی برای فرزند خود بگیرند یا اجازه دسترسی به فضای مجازی را برای فرزند خود فراهم کنند، می‌پرسیدند و نگرانی و دغدغه نحوه ورود به فضای مجازی برایشان مطرح بود. اکنون اما در شرایطی به سر می‌بریم که آموزش و تحصیل تنها از این طریق ممکن است و دسترسی کودک و نوجوان به ابزارهای الکترونیکی همانند کتاب و دفتر و قلم است. به همین دلیل، نقش والدین نیز تغییر یافته است و نمی‌توانیم انتظاراتی را که تا سال گذشته در خصوص دنیای مجازی از فرزندان خود داشتیم، همچنان داشته باشیم. این نوشته نقش جدید والدین را در مواجهه فرزندان با فضای مجازی در بستر آموزش مجازی بیان می‌کند. در اینجا به یکی از حوزه‌های مرتبط با این موضوع و باید و نبایدهای آن پرداخته شده است.

به‌روزرسانی توانایی‌ها

لازم است در استفاده از برنامه‌های مورد نیاز در آموزش مجازی، مهارت‌های لازم در فرزند تقویت شود و در عین حال آن‌ها از نظارت و حمایت والدین نیز برخوردار باشند. برخی از این مهارت‌ها شامل بارگیری و بارگذاری فایل‌ها، ذخیره‌سازی، کم‌حجم کردن فایل‌ها، کسب اطمینان از ارسال درست و دریافت فایل توسط مخاطب، انجام کار گروهی در فضای مجازی و مواردی از این دست است. حالا پرسش این است که والدین تا چه اندازه در این مسیر بر امور او نظارت دارند. با این رویکرد، روشن می‌شود مقصود از نظارت، انجام کار به جای فرزند نیست.



مطالبه کنید

شاید برای شما هم پیش آمده باشد که پیامی از معلم فرزندان دریافت می‌کنید مبنی بر اینکه بر روند خاصی از کار فرزندان نظارت کنید یا نکته‌ای را دنبال کنید یا کاری را انجام دهید. در صورت دریافت چنین پیام‌هایی، که بر نقش جدید والدین به مثابه همیار مدرسه و معلم مبتنی است، حتماً از معلم بپرسید خواسته ایشان را چگونه باید دنبال کنید. برای مثال ممکن است از شما خواسته شود بر انجام تکلیف فرزندان نظارت کنید. حالا پرسش این است که چگونه باید نظارت را انجام دهیم و مقصود از نظارت دقیقاً انجام چه کارهایی است؟ بنابراین، صرفاً دریافت‌کننده انتظارات مدرسه نباشید، بلکه حتماً در خصوص چگونگی انجام آن سؤال کنید و بر مبنای تجربه یا برداشت شخصی اقدام نکنید.

آموزش محتوا یا مهارت؟

از جمله موارد مهم در مداخله والدین در آموزش مجازی، یاددادن و آموزش دادن است. به‌ویژه این اتفاق در خصوص کودکان دوره ابتدایی رخ می‌دهد. نکته مهم این است که در همیاری والدین برای آموزش، نقش اصلی والدین، مهارت‌آموزی است و نه لزوماً آموزش محتوای کتاب‌های درسی. برای مثال، مهارت نظم و انضباط در امور روزانه، مهارت مسئولیت‌پذیری و آغاز پذیرش و انجام وظایف و تعهدات، استقلال و توانمندسازی فردی، اعتماد به خود، برنامه‌ریزی و مواردی از این دست، در صدر توانایی‌هایی است که خانواده می‌تواند به‌ویژه در جریان آموزش مجازی دنبال کند.

نقادی غیر تخصصی!

مادران و پدرانی که همچنان به ضرورت آموزش‌های مجازی پی نبرده‌اند، غالباً به انواع نقادی‌ها و تحلیل‌های نامرتبط با تعلیم و تربیت اقدام می‌کنند. این دسته از والدین چنین برخوردی دارند:

- ✓ در بیشتر موارد تأثیرگذاری و وجوه مثبت و سازنده یا ضروری آموزش مجازی را زیر سؤال می‌برند.
- ✓ نسبت به تأثیر و نتایج مرتبط با آموزش مجازی احساس و ابزاز ناامیدی دارند و بدبین هستند.
- ✓ با نقادی‌های غیر تخصصی که در حوزه تخصص آن‌ها نیست، معمولاً کلی‌گویی دارند و همه یا هیچ را در این خصوص به کار می‌برند.

کور کردن شوق‌ها

با برچیده شدن دیوارهای کلاس درس، ورود والدین و دیگر اعضای خانواده به جزئیات و اتفاقات کلاس درس موجب شده است برخی والدین با دخالت‌های غیر تخصصی خود در مسیر و فرایند یاددهی-یادگیری، موجب از میان رفتن شوق و رغبت به آموزش در معلمان شوند. باید در نظر داشت، همانند وضعیت تحصیل حضوری، لازم

است والدین در مباحث مربوط به معلمی و حرفه یاددهی-یادگیری به معلم اعتماد کنند و جریان را به او بسپارند.

از زبان مدیر مدرسه

به‌عنوان مدیر مدرسه، در تمام روزهای کرونایی، در مدرسه حاضرم. بسیاری معتقدند شما کاری ندارید و حالا دیگر مسئولیت خاصی را دنبال نمی‌کنید. اما شاید قابل باور نباشد که از روزهای حضوری دانش‌آموزان، گاهی بسیار بیشتر درگیر پاسخ‌دادن به تماس والدین و رسیدگی به شکایات و نگرانی‌های آن‌ها هستیم. مادری تماس می‌گیرد و می‌گوید معلم دارد از روی کتاب روخوانی می‌کند. اینکه درس دادن نیست! مادر دیگری تماس می‌گیرد و شکایت می‌کند چرا معلم اسم فرزند او را در کلاس بیان نمی‌کند. پدری اصرار دارد به همه پیام‌هایی که برای معلم ارسال کرده است توجه شود و گفته شود چرا به برخی پاسخ داده نشده است. دیگری ابراز می‌کند فرزند من خیلی حساس است و نمونه تکلیف او را معلم به کلاس نشان نداده و او بسیار غمگین و ناامید شده است. رسیدگی به این حجم و تنوع از درخواست‌ها و انتقادهای نادرست و غالباً به دور از نگاه جامع‌نگرانه، تأثیر بدی در روحیه من به‌عنوان مدیر و نیز در معلمان دارد.

رقابت والدین!

در برخی از کلاس‌های مجازی، شاهد مسابقه و رقابت والدین با یکدیگر هستیم. برخی مادران و پدران در ارائه تکالیف فرزندشان، حضور او در کلاس و پاسخ‌گویی به معلم در رقابت هستند و بسیاری امور را صرفاً برای اینکه به دیگران نشان دهند فرزندشان عالی عمل کرده است، خودشان انجام می‌دهند و گاهی اصلاً دانش‌آموز اطلاع ندارد فلان پروژه را تکمیل و ارسال کرده است.

از زبان دانش‌آموز

در کلاس کتاب‌خوانی بودم. این کلاس مثل همیشه برای من جذابیت زیادی نداشت و همچنان که صدای معلم را می‌شنیدم، مشغول صرف ناهار بودم. معلم در بخشی از صحبت‌های خود گفت که نتیجه مسابقه داستان‌نویسی تعیین شده است و بعد هم اسامی سه برگزیده را خواند. با کمال تعجب و ناباوری، اسم خودم را هم شنیدم. من اصلاً در این مسابقه شرکت نکرده بودم. در بخش پیام‌ها نوشتیم که من شرکت نکرده بودم، ولی خوشحالم برنده شده‌ام و عکس لبخند گذاشتم. معلم بخشی از داستان مرا یادآوری کرد و گفت درست مثل همین شخصیت داستان شوخ‌طبع هستی. آیا فکر می‌کنی عاقبت خودت هم مثل شخصیت داستان می‌شود؟ راستی اسم این شخصیت را چه گذاشته بودی؟! نمی‌دانستم چه پاسخی بدهم. وقتی



نقادی‌های غیر تخصصی موجب کاهش شوق معلمان و نیز احساس نامطلوب در فرزندان در آموزش مجازی می‌شود



گفت‌وگوی ارزشمند

در خصوص برگزاری کلاس‌های آموزشی با فرزندتان گفت‌وگو کنید و نظر او را جویا شوید، اما صرفاً براساس برداشت و احساس او نتیجه‌گیری نکنید، بلکه با جمع‌آوری آن‌ها، در صورتی که نیازمند ایجاد تغییراتی است، از او بپرسید چه پیشنهادی برای بهترشدن اوضاع دارد. پرسش و نظرخواهی حتی برای کودک پایه اولی نیز می‌تواند سازنده و مفید باشد. نظر یا پیشنهاد خود را نیز با او در میان بگذارید و به فرزندتان اطمینان دهید در صورت نیاز یا مساعدبودن شرایط، موارد را به مدرسه انتقال می‌دهید، اما او نباید صرفاً منتظر تغییر در مدرسه باشد.

معیار داشته باشید

به‌منظور نقادی و بررسی عملکرد فرزندتان در آموزش مجازی و نیز ارائه پیشنهاد یا نظراتی در خصوص این آموزش، لازم است معیارهای درستی طراحی کنید. در این شرایط، از ورود به مسائلی که در تخصص شما نیست، پرهیز کنید و تنها این موارد را در قالب پرسش طرح کنید. در سایر موارد، انتظارات خود را روی برگه‌ای بنویسید و با فردی که در زمینه آموزش و نیز دوره سنی فرزند شما اطلاعات دارد، مشورت کنید که آیا انتظار شما درست و منطقی است و در صورت مثبت‌بودن پاسخ، با همان معیارها روند تحصیلی فرزندتان را دنبال و بررسی کنید.

آموزش مجازی خانواده

از جمله اتفاقات مهم در طول دریافت خدمات آموزشی مجازی، آموزش خانواده است که مدرسه و دیگر افراد و نهادهای فرهنگی برگزار می‌کنند. لازم است به‌منظور کسب تجربه آموزش‌های مجازی و نیز ارتقای آگاهی و مهارت خود، از این قبیل اقدامات استقبال کنید و در صورتی که مدرسه به بهانه‌های گوناگون از برگزاری چنین کلاس‌هایی پرهیز می‌کند، آن را به‌عنوان مطالبه و ضرورت با مدرسه مطرح کنید.



مادرم متوجه شد، در هاله‌ای از خوشحالی و خشم فرو رفت. خوشحالی از اینکه داستانش برنده شده! و خشمگین از اینکه چرا من گفته‌ام داستانی ننوشته‌ام و در مسابقه شرکت نکرده‌ام!

دغدغه‌مندان گمراه

برخی والدین به‌شکلی در نقش حمایتگری خود غرق شده‌اند که تصور می‌کنند دریافت نتایج هر چند بی‌ریشه و نادرست امروز، بهتر از نتیجه درست و سازنده در بلندمدت است. به همین دلیل، در روزهای برگزاری امتحانات، از هیچ کمکی دریغ نمی‌کنند. برخی با شناسایی و استخدام معلم خصوصی و برخی دیگر کتاب به دست، در کنار فرزندشان تلاش می‌کنند کمک‌های لازم را برای پاسخ به سؤالات امتحان به فرزندشان انجام دهند و دوستی خاله خرسه را تمام و کمال انجام دهند.

این اقدام نه تنها به بدنه یادگیری خسارت می‌زند، بلکه رذیلت‌های اخلاقی غیرقابل جبرانی را برای کودک و نوجوان به همراه دارد. تقلب، دروغ‌گویی، پنهان‌کاری، دل بستن به نتایج زودگذر، چشم‌پوشی از ارزشمندی تلاش و ... بخشی از آثار تربیتی ناشی از این رفتار هستند.

کم‌اهمیت نشان دادن

در زمانی که فرزند نیاز دارد برای شرکت در آموزش مدرسه از تلفن همراه استفاده کند، مانند کلاس‌های برنامه شاد، برخی والدین از خریدهای کوچک و بزرگ روزانه تا سفر و انجام امور خارج از خانه، صرف‌نظر نمی‌کنند و با این عبارت که «حالا بعداً فیلمش را می‌بینی» یا اینکه «بیا توی راه در کلاس شرکت کن» و ... طوری وانمود می‌کنند که این آموزش چندان رسمی و پراهمیت نیست. در این شرایط نمی‌توان انتظار داشت پیگیری و دل سپردن دانش‌آموز به آموزش مجازی صورت گیرد.

مهم‌ترین نقش والدین در مسیر تحصیل مجازی فرزندان، تلاش برای توانمندسازی و مهارت‌ورزی آنان است نه آموزش محتوای درسی

تجربه

یک پله گذار

گفت‌وگو با اردوان مجیدی، پژوهشگر حوزهٔ تعلیم و تربیت



لیلا صمدی

اشاره

اردوان مجیدی، پژوهشگر و دانش‌آموخته رشتهٔ مهندسی رایانه است که زمینهٔ اصلی پژوهشی وی، مهندسی سیستم و طراحی سیستم‌های نهادی و اجتماعی است. وی در کتاب «نظام برتر: آیندهٔ آموزش و آموزش آینده» (۱۳۸۰) با رویکردی آینده‌نگرانه و از زاویهٔ مهندسی، نظام تحولات جامعه را به‌عنوان مطالبه‌ای برای نظام تعلیم و تربیت تعریف کرده و بر این اساس به تبیین مأموریت نظام تعلیم و تربیت پرداخته است. مجیدی به دنبال پژوهش نظری صرف نیست، بلکه آن‌گونه پژوهش‌های نظری را مدنظر دارد که سازوکارهای عملیاتی را در حد نظریه‌پردازی‌ها داشته باشد و بتواند به شکل معماری منسجمی یک نظام را طراحی کند و این معماری و نظام در بدنهٔ جامعه اجرا شود.

مجیدی در حوزهٔ برنامهٔ درسی نیز به مدل‌سازی پرداخته. او با تأسیس «مدرسهٔ حکمت» در میدان عمل وارد شد و مدل برنامهٔ درسی خود را اجرا کرد. مجیدی در تازه‌ترین اثر خود، کتاب «گذار در بحران» (۱۳۹۹)، تغییر آرایشی را که در شرایط بحرانی کرونا و نیز شرایط پساکرونا در نظام تعلیم و تربیت اتفاق می‌افتد، تحلیل و بررسی کرده و معماری نظام گذار را با مقایسه‌ای بین معماری نظام کنونی و معماری نظام برتر تبیین کرده است. آنچه در ادامه می‌خوانید، مختصری از گفت‌وگوی ما با اردوان مجیدی پیرامون مباحث مطرح‌شده در همین کتاب است.

چه ضرورتی برای نوشتن کتاب «گذار در بحران» احساس کردید؟ مخاطبان این کتاب چه کسانی هستند؟

ما در شرف تحولی عمیق در جامعه هستیم. تمدنی سایبری در حال شکل‌گیری است که شکل جدیدی از زندگی و پدیده‌های متفاوتی را در دل خود ایجاد می‌کند. ما باید از این پدیده‌ها به شکل مناسبی استفاده کنیم و درگیر آن‌ها شویم. مأموریت نظام تعلیم و تربیت، همان‌طور که من در کتاب «نظام برتر» به آن پرداخته‌ام، این است که بچه‌ها را برای ایفای نقش در جامعه و همین‌طور ساختن جامعهٔ آینده تربیت کند.

وقتی می‌خواهیم برای جامعه‌ای که با سرعت حرکت می‌کند، نسخه بپیچیم، اگر نسخهٔ ما فقط به وضعیت فعلی جامعه بپردازد، هر وقت به آن برسیم، باز هم عقب هستیم. پس باید جلوتر را ببینیم. اگر قرار است بچه‌ها نیازهای جامعه را بسازند، باید بچه‌هایی را تربیت کنیم که از جامعهٔ خود جلوتر باشند؛ آن‌قدر جلوتر که بتوانند دست جامعه را بگیرند و آن را به جلو بکشند. تعلیم و تربیت و مدرسه در جامعه نقش توسعه‌دهنده دارند. اگر این‌طور باشد، وقتی شما وارد فضای مدرسه می‌شوید، باید احساس کنید از جامعهٔ معمول چند پله جلوتر آمده‌اید و وارد جامعه‌ای پیشرفته‌تر و غنی‌تر شده‌اید.

یعنی شما در مدرسه باید احساس کنید به محیطی وارد شده‌اید که فرهنگ و فهم ۱۰ سال بعد را دارد؛ محیطی که باورها و مهارت‌هایی که ۱۰



سال بعد در جامعه جاری می‌شوند، در آن

جاری هستند.

بحران کرونا جامعهٔ تعلیم و تربیت را درگیر یک شوک کرد و این بحران جامعه را واداشت اتفاقاتی را رقم بزند. کتاب «گذار در بحران» وضعیت جاری ما را تبیین می‌کند. مخاطبان این کتاب هم‌زمان پنج قشر هستند. تحول اتفاق نمی‌افتد، مگر اینکه اقبال پنج‌گانهٔ دانش‌آموزان، خانواده‌ها، مربیان، توسعه‌دهندگان بسترها و زیرساخت‌های تعلیم و تربیت و متولیان سکوها (پلتفرم‌های رایانه‌ای و نظایر آن‌ها)، و برنامه‌ریزان و متولیان نظام تعلیم و تربیت که در این زمینه نقش دارند، بتوانند درست بازی کنند.

■ از نظریه‌هایی که در کتاب گذار در بحران به آن‌ها پرداخته‌اید یا تئوری حاکم بر کتابتان، بفرمایید.

□ در این کتاب نظریه‌پردازی‌های متفاوتی از زاویه‌های علوم اجتماعی، فناوری اطلاعات و تعلیم و تربیت در کنار هم قرار گرفته‌اند. سعی کرده‌ام نظریه‌هایی را که شالوده‌های نظام تعلیم و تربیت را می‌سازند، در یک مدل معماری یکپارچه و همگون تبیین کنم.

یک وجه آن، نظریهٔ تحول در شکل‌گیری یک تمدن متفاوت است که به آن «تمدن سایبری» می‌گوییم. بحث ما فقط این نیست که از فناوری جدید استفاده می‌کنیم. این فناوری جنس زندگی ما را عوض می‌کند و عوامل شکل‌دهندهٔ مدنیت را در جامعهٔ ما تغییر می‌دهد. قاعدتاً این عوامل باید در نظام‌های تعلیم و تربیت هم مورد توجه قرار گیرند.

نظریهٔ دیگر این کتاب، حکمرانی و ساختارهای حکمرانی در این تمدن سایبری است. از این زاویه به این نظریه پرداخته‌ام که اگر می‌خواهید یک نظام عملیاتی داشته باشید و یک حکمرانی را در پهنهٔ نظام حاکمیتی ایجاد کنید، چطور می‌توانید این اتفاق را رقم بزنید. به تعلیم و تربیت در حوزهٔ برنامهٔ درسی نیز از این زاویه ورود پیدا کردم که چگونه عناصر اصلی برنامهٔ درسی کنار هم قرار می‌گیرند و بافت یکپارچه و همگونی را برای برنامهٔ درسی در فضای در حال شکل‌گیری به وجود می‌آورند.

نظریهٔ دیگر، رویکرد استاد-شاگردی است. در نظام صنعتی، شیوهٔ تولید کارخانه‌ای و انبوه‌مربی را به مجری فرمان‌های نظام رسمی تعلیم و تربیت تبدیل کرد، اما الان نقش مربیگری و استادی دارد، به معلم برمی‌گردد و اختیاراتی به او داده می‌شود. در ارتباط با مدل‌های سکوها و نقش و جایگاه آنان نیز بحث‌های نظری متفاوتی در کتاب آورده‌ام.



مطلوب است که خانواده علاوه بر اینکه ولی کودک است، مرشد، مربی و راهبر کودک باشد معلمان نشان داده‌اند اگر شما میدان بازی را در اختیارشان قرار دهید، آن‌ها هم خلاق می‌شوند

■ شما در کتاب گذار در بحران اشاره کرده‌اید، نظام رسمی که تأکیدش بر تمرکز و هم‌گرایی محتوا و روش‌های آموزشی بود، مجبور شد در دوران کرونا از مواضع خود به نوعی کوتاه بیاید. رویکرد تمرکزگرایی نظام آموزش و پرورش را چگونه می‌بینید؟

□ در دفاع از نظام متمرکز گفته می‌شود، ما برای اینکه عدالت آموزشی را برقرار کنیم، باید نظام متمرکزی داشته باشیم که همه یکسان باشند؛ در صورتی که نظام توزیع‌شده الزاماً به معنای از بین رفتن عدالت نیست، بلکه گاه ممکن است تمرکز کاملاً ناعادلانه انجام شود. اگر بتوانیم نظام تعلیم و تربیتی ایجاد کنیم که متناسب با شرایط محیطی و نیازمندی‌های جامعهٔ ما باشد، آن موقع توانسته‌ایم عدالت آموزشی برقرار کنیم.

اینکه یک تولید واحد و الگوی همسانی را به همه جا تجویز کنیم، در شرایط جامعهٔ تمدنی امروز جواب نمی‌دهد. ما با جامعه‌ای مواجه هستیم که «تحول سریع»، «افزایش تنوع» و «پیچیدگی»، سه ویژگی بارز آن هستند. این خصوصیات سه‌گانه و نبود تمرکز در ذات تمدن سایبری نهفته است. شما برای ایجاد تعلیم و تربیت در این

تمدن مجبورید و راه دیگری هم ندارید که از نظام متمرکز کنده شوید و به سراغ نظام چابک توزیع‌شده، متکثر و متنوع بروید که به افراد اجازه می‌دهد درگیر میدان شوند و خلاقیت خود را بروز دهند. ما الان شاهد تجربهٔ محدود آن در پلهٔ گذار هستیم.



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی دبستانی

به صورت ماهنامه و ۹ شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوآموز برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی متوسطه

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره اول آموزش متوسطه

رشد پسران برای دانش‌آموزان دوره اول آموزش متوسطه

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره دوم آموزش متوسطه

رشد جوانان برای دانش‌آموزان دوره دوم آموزش متوسطه

مجله‌های عمومی بزرگسال

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد فناوری آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا

♦ رشد معلم ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد مدیریت مدرسه

مجله‌های تخصصی بزرگسال

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

♦ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی ♦ رشد آموزش تاریخ

♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش ریاضی

♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش زبان‌های خارجی

♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی

♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش هنر

♦ رشد آموزش خانواده ♦ رشد برهان متوسطه دوم

مجله‌های عمومی و تخصصی رشد برای معلمان، دانشجویان معلمان، و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۲۰۱۴۷۸

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir

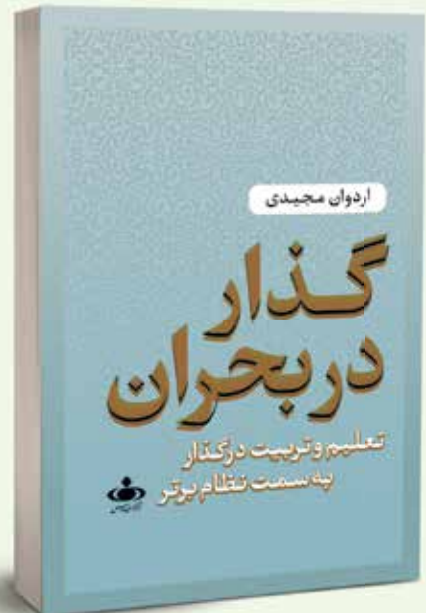
اصل این ماجرا در پله‌های بعدی است که در کتاب «نظام برتر» به آن اشاره کرده‌ام.

چالش‌های اساسی نظام تعلیم و تربیت در دوره فعلی را چه می‌دانید؟

□ مهم‌ترین چالشی که آموزش و پرورش ما با آن مواجه است، بحران هویت و مأموریت آن است. آموزش و پرورش نمی‌تواند به سادگی به این سؤال پاسخ دهد که چرا هست و چرا بچه‌ها را به مدرسه می‌فرستیم. ما با مسائل فنی، تکنیکی و عملیاتی کنار می‌آییم و برای آن راه‌حل پیدا می‌کنیم. آنچه کنار آمدن با آن برای ما مشکل است، فهم تغییر، ماهیت تغییر و باور کردن تغییری است که در حال اتفاق افتادن است.

به نظر شما در دوران پساکرونا چه تغییراتی را نسبت به دوران قبل از کرونا در نظام تعلیم و تربیت خواهیم داشت؟

□ تمام مشخصه‌هایی که در آموزش دوران کرونا اتفاق افتاده‌اند و اتفاق می‌افتند، در تعلیم و تربیت تمدن سایبری وجود داشته‌اند. یعنی اگر ما این مسیر را می‌رفتیم (بدون بحران کرونا)، دیر یا زود این شیوه آموزشی که در دوران کرونا اجرا شد، کم‌وبیش در نظام تعلیم و تربیت اتفاق می‌افتاد. با کرونا نظام تعلیم و تربیت مجبور شد این شیوه را بپذیرد. وقتی مدرسه‌های ما در پساکرونا دوباره شکل بگیرند، به سادگی به مدل تعلیم و تربیت قبل از کرونا بر نخواهند گشت. اتفاقی که الان می‌افتد، همه خصوصیت نظام تعلیم و تربیت مطلوب را شامل نمی‌شود. بلکه به خاطر شرایطی که کرونا دارد، طیفی از این خصوصیات انتخاب می‌شوند.



سال تولید، پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها

روشد

نحوه اشتراک مجلات رشد:

الف) مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی www.roshdmag.ir و ثبت نام در سایت و سفارش و خرید از طریق درگاه الکترونیکی بانکی.

ب) واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سمراه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افسست، و ارسال فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳

شماره شبانه: IR180180000000000039662000

عنوان مجلات در خواستی:

نام و نام خانوادگی:

تاریخ تولد: میزان تحصیلات:

تلفن:

نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: کد پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵-۲۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸، ۸۸۴۹۰۱۱۶

Email: Eshterak@roshdmag.ir

هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۹۰۰/۰۰۰ ریال

هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۴۵۰/۰۰۰ ریال

«خودفراگیری» یکی از خصوصیات مطلوب این شرایط بود که در نظام تعلیم و تربیت اتفاق افتاد. خودفراگیری به این معناست که بچه‌ها خودشان یاد بگیرند و درگیر یادگیری شوند و مربی به‌عنوان تسهیل‌کننده و راهنما کنار آن‌ها باشد. ما اجازه نمی‌دادیم خانواده‌ها در فضای تعلیم و تربیت مداخله کنند. اما الان نظام تعلیم و تربیت مجبور شده است نقش مربیگری را به خانواده بدهد و مجبور است در آینده نیز این روال را ادامه دهد. مطلوب است که خانواده، علاوه بر اینکه ولی کودک است، مرشد و مربی کودک باشد و راهبری کودک را نیز به او برگردانیم.

استفاده از بسته‌های آموزشی و ابزارها و فناوری نیز نمونه‌های دیگری از ابعاد نظام تعلیم و تربیت تمدن سایبری هستند که در شرایط کرونایی محقق می‌شوند.

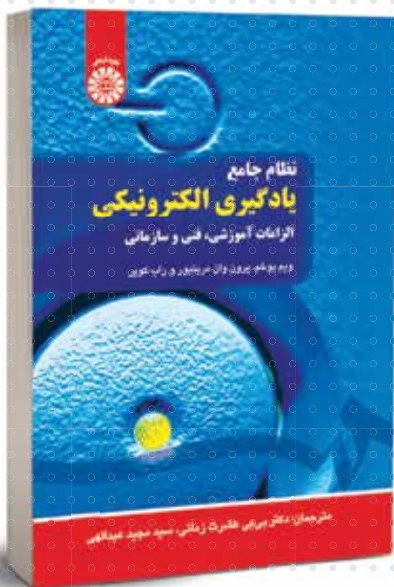
یکی از مطلوبیت‌هایی که در نظام تعلیم و تربیت تمدن سایبری وجود دارد، اما در شرایط کرونایی محقق نشده، آموزش مبتنی بر کاربرد است. در نظام کرونا به این نوع آموزش نیازی احساس نشد و تعلیم و تربیت به سراغ این مطلوبیت نرفت. بچه‌ها باید زندگی واقعی را در مدرسه تجربه کنند (آموزش زندگی). اما این اتفاق اکنون رقم نمی‌خورد.

هنوز برنامه‌ریزان نظام آموزشی ما متوجه نشده‌اند کتاب درسی از گردونه تعلیم و تربیت ما خارج شده است. مدیران نظام تعلیم و تربیت اعلام می‌کنند کتاب درسی را به بسته آموزشی تبدیل کردیم، در صورتی که بسته آموزشی کتاب درسی چندرسانه‌ای نیست. بلکه نوع متفاوتی از هدف‌های آموزشی و نوع متفاوتی از شیوه‌ها و فرایندهای آموزشی در آن جاری است.

فکر می‌کنید معلمان توانسته‌اند با شرایط کرونا به درستی هماهنگ شوند؟ عملکرد آنان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بهترین قشری که در این مدت عمل کرده است، معلمان بوده‌اند. آن‌ها توانسته‌اند خودشان را تطبیق دهند و از خودشان خلاقیت نشان داده‌اند. معلمان بیشتر از همه بار نظام آموزشی را به دوش می‌کشند. اکنون معلمان میدان به نسبت باتری را پیدا کرده و نشان داده‌اند اگر شما میدان بازی را در اختیارشان قرار دهید، آن‌ها هم خلاق می‌شوند.





نظام جامع یادگیری الکترونیکی (الزامات آموزشی، فنی و سازمانی)

نویسنده: ویم یوخم، بیرون وان مرینبور و راب کوپر

مترجمان: دکتر بی بی عشرت زمانی و سیدمجید عبدالهیی

سال نشر: ۱۳۹۰

ناشر: سمت

بیشتر آموزشگران و استادان در حال حاضر با این موضوع رودررو هستند که چگونه باید شیوه‌های جدید یادگیری را با راهبردهای فعلی یاددهی - یادگیری در محیط کلاس و کار، تلفیق و یکپارچه کنند. مؤلفان این کتاب بر این عقیده‌اند، یادگیری الکترونیکی صرفاً به دیجیتالی کردن محتوای آموزش سنتی محدود نمی‌شود، بلکه رویکرد جدیدی است که برای طراحی و تشکیل هر نظام آموزشی خوب، همه جوانب سازمانی، آموزشی و فنی آن را بررسی و مورد رسیدگی دقیق قرار می‌دهد. در این کتاب، بیش از پنج سال تجربه کار عملی مؤلفان در زمینه آموزش از راه دور مبتنی بر وب، در دانشگاه اوپن هلند، منعکس شده است.

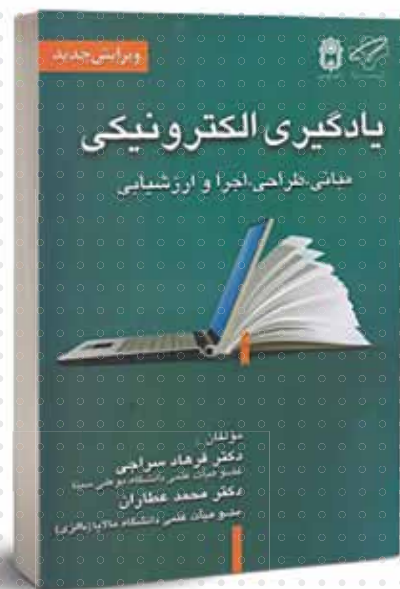
یادگیری الکترونیکی: مبانی، طراحی، اجرا و ارزشیابی

نویسندگان: دکتر محمد عطاران، دکتر فرهاد سراجی

سال نشر: ۱۳۹۰

ناشر: دانشگاه بوعلی سینا

موضوع کتاب، شرح شیوه‌های آموزش مبانی، طراحی، اجرا و ارزشیابی فناوری ارتباطات است. نگارندگان کوشیده‌اند با تدارک محیطی برای یادگیری اصول، مبانی، طراحی، اجرا و ارزشیابی فناوری ارتباطات، بر برخی از موانع محیطی یادگیری حضوری غلبه یابند و مدیران را در اداره بهتر سازمان‌های خویش یاری کنند. عنوان‌های برخی مباحث مندرج در کتاب عبارت‌اند از: کلیات یادگیری الکترونیکی؛ الگوهای طراحی برنامه درسی و آموزش در محیط‌های الکترونیکی؛ ویژگی‌های عناصر برنامه درسی الکترونیکی؛ محتوای الکترونیکی؛ نقش معلم در محیط‌های یادگیری الکترونیکی؛ یادگیری ترکیبی؛ و ارزشیابی کیفیت دوره‌های یادگیری الکترونیکی.



ارزشیابی آموزش الکترونیکی

(راهنمای عملی)



ارزشیابی آموزش الکترونیکی (راهنمای عملی)

نویسندگان: دکتر زینب گلزاری، دکتر علیرضا کیامنش

سال نشر: ۱۳۹۵

ناشر: طلایی پویندگان دانشگاه

مؤلفان در این کتاب ابتدا کلیاتی در زمینه آموزش الکترونیکی آورده و تاریخچه ارزشیابی آموزش الکترونیکی در ایران و سایر کشورها را بررسی کرده‌اند. در ادامه، الگوها، چارچوب و مدل‌های پرکاربرد و مشهور ارزشیابی آموزش الکترونیکی، از سال ۲۰۰۰ تاکنون، معرفی شده‌اند. عوامل، ملاک‌ها و نشانگرهای الگوی پیشنهادی آموزش الکترونیکی نیز به تفصیل آورده شده‌اند و الگوها، چارچوب و مدل‌های موجود به‌دقت تحلیل شده‌اند. در نهایت نیز این دو مؤلف، در زمینه ارزشیابی آموزش الکترونیکی برای ایران، الگویی ارائه کرده‌اند.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار می‌کند:

فراخوان

دومین جشنواره تولید محتوای الکترونیکی رشد

محورهای برگزاری

- * تولید محتوای الکترونیکی برای کلیه دروس کتاب‌های درسی دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی (ابتدایی، متوسطه اول، متوسطه دوم: شاخه نظری، فنی و حرفه‌ای و کار دانش)
- * فیلم * انیمیشن * موشن
- * اینفوگرافی * بازی‌های تعاملی * تصویر سه‌بعدی
- * پادکست * صوت * گرافیک

از ارسال فیلم‌های تدریس معلم خودداری نموده و صرفاً محتواهای چند رسانه‌ای قابل پذیرش می‌باشد.

بدین وسیله از کلیه معلمان، (هنر آموزان، مدرسان)، کارشناسان و کارکنان آموزشی، دانش آموزان، شرکت‌ها و مؤسسات علمی آموزشی دعوت می‌شود جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر به آدرس roshd.ir (جشنواره تولید محتوا) مراجعه نمایند.

به آثار منتخب، ضمن حمایت جوایز نفیس تعلق خواهد گرفت.

با همکاری:

